

لُر د کُزَن در حیلج فارس

بر پایه اسناد وزارت امور خارجه

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

■ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تاکنون در مجموعه اسناد
عناوین زیر را منتشر کرده است:

راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول

گزیده اسناد مرزی ایران و عراق

گزیده اسناد خلیج فارس

(جلدهای ۱ و ۲)

اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول

(جلدهای ۱ تا ۴)

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی

(جلدهای ۱ تا ۴)

نهیض مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت

امور خارجه

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

تهران — خیابان شهید باهنر — خیابان شهید آقایی

صندوق پستی: ۱۷۹۳/۱۹۳۹۵

بها ۵۸۰ ریال

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
شماره ثبت کتابخانه: ۱۳۰۲/۱۳۰۲

ادراک درین مقام

خلیج
فارس

۱

۲

۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت امور خارجه

سولہ عالم نظارت بر تدوین و نشر اسناد

اسکن شد

لرد کرزن در خلیج فارس

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
تهران، ۱۳۷۰

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

لرد کرزن در خلیج فارس

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۰

امور فتنی چاپ: دفتر ویرایش

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۵ هزار جلد

تمامی حقوق محفوظ است.

دیباچه

اسناد سیاسی موجود در مراکز رسمی دولتی، معتبرترین مأخذ برای گردآوری اطلاعات مهم تاریخی و مطمئن‌ترین منبع برای پژوهش درباره نکات مبهم و مهم تاریخ و رویدادهای سیاسی ادوار گذشته است.

وزارت امور خارجه به اقتضای وظایفش پیوسته غنی‌ترین گنجینه اسناد روابط سیاست خارجی را در اختیار داشته است. انتشار این گونه اسناد برای پژوهشهای تاریخی و شناخت ریشه تحولات سیاسی اهمیتی بسزا دارد. خوشبختانه قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه، مصوب مجلس شورای اسلامی، این فرصت را برای وزارت امور خارجه فراهم آورد و تاکنون چند کتاب از گزیده اسناد وزارت خارجه (هر کتاب در موضوعی خاص مربوط به روابط خارجی ایران در قرن گذشته) از سوی واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به چاپ رسید.

همچنین یک کتاب تحقیقی نیز بر اساس اسناد موجود، با تهیه امکانات کار از سوی جناب آقای عباس ملکی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه، با کوشش و پژوهش آقای ابراهیم صفائی، نویسنده و پژوهشگر معروف تاریخ، درباره تاریخ مشروطه تألیف و تدوین گردید. و اینک دومین کتاب تحقیقی بر پایه اسناد، تحت عنوان سفر لرد کرزن در خلیج فارس با همیاری جناب آقای عباس ملکی و

کوشش و پژوهش آقای ابراهیم صفائی به دوستداران تاریخ ایران تقدیم می‌گردد.

سفر لرد کرزن در خلیج فارس یکی از رویدادهای مهم سیاسی دوران پادشاهی مظفرالدین شاه بوده و اینک دوستداران تاریخ با مطالعه این کتاب به چگونگی این رویداد سیاسی و آثار و بازتاب آن در قرن گذشته آگاه می‌شوند.

علی اکبر ولایتی

اردیبهشت ۱۳۷۰

سرآغازی بر این کتاب

لرد کرزن (جرج ناتانیل) متولد ۱۸۵۹ میلادی و فارغ التحصیل دانشگاه اکسفورد انگلستان از سیاست‌پیشگان و رجال معروف بیست و پنج سال اول قرن بیستم در بریتانیا، پس از پایان تحصیل در آغاز چندی معاون وزارت هند شد، سپس در سال ۱۸۸۶ به نمایندگی پارلمان انگلستان انتخاب گردید و در ۱۸۸۹ تصمیم به سیاحت بخشی از سرزمین خاورمیانه گرفت. او برای آنکه در این سفر بتواند به آسانی به اماکن و مراکز مختلف و دیدنی راه جوید، کارت خبرنگاری روزنامه تایمز را هم به دست آورد و پس از سیاحت بخشی از قفقاز و استانبول و بخشی از ترکمنستان، از راه عشق‌آباد وارد خراسان شد؛ از مشهد و چند شهر خراسان بازدید نمود و پس از چند هفته به تهران آمد. او در تهران همراه مأمورین سیاسی سفارت انگلیس در یک آیین سلام رسمی که در حضور ناصرالدین شاه در کاخ گلستان برپا شده بود، حضور یافت و پس از توقف یکماهه در تهران و بازدید از شمال و غرب ایران و آذربایجان، از راه کاشان و اصفهان و شیراز به بوشهر رفت و از آنجا با کشتی کمپانی انگلیسی «لینچ» رهسپار خرمشهر و بصره و بغداد گردید. سفر او در ایران نزدیک شش ماه به درازا کشید. کتاب معروف سفرنامه او، ایران و مسئله ایران، مشتمل بر پژوهش اجمالی در مسائل تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی و آثار و اماکن تاریخی و آداب و رسوم محلی در مناطق مختلف ایران، یادگار همین

مساافت اوست که به فارسی هم ترجمه شده است.^۱

لرد کرزن از ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۶ نماینده پارلمان انگلیس بود، سپس معاون وزارت امور خارجه آن کشور شد و در ۱۸۹۸ از سوی ملکه ویکتوریا، پادشاه انگلستان، با گرفتن لقب اشرافی «لرد» به مقام «نایب السلطنه و فرمانفرمای کل هندوستان» برگزیده شد و با آنکه دوره نیابت سلطنت هندوستان پنج سال بود، دوره نیابت سلطنت او همین که چند ماه پس از سفر خلیج فارس به لندن رفت (با پیشنهاد مجلس اعیان و تصویب پادشاه انگلستان) دو سال تمدید شد و روی هم هفت سال از ۱۸۹۸ تا نوامبر ۱۹۰۵ با اقتدار کامل در مقام خود باقی بود و سپس لرد منتو به جای او نایب السلطنه هندوستان شد.

لرد کرزن نمونه یک اشرافی کشور خود بود و به عظمت امپراتوری بریتانیا و برتری جامعه انگلیس اعتقاد داشت^۲ و به امنیت خلیج فارس از نظر حفظ منافع بازرگانی هندوستان و جلوگیری از نفوذ دولت روسیه در این خلیج اهمیت می‌داد؛ از این رو در دوران فرمانفرمایی خود در تثبیت نفوذ سیاسی و پیشرفت امور اقتصادی حکومت هندوستان در خلیج فارس بسیار کوشید و شیخهای خلیج فارس را برای بیرون آمدن از زیر سلطه امپراتوری عثمانی و قبول حمایت انگلیس یاری داد.

لرد کرزن پس از پایان دوره هفت ساله فرمانفرمایی و نیابت سلطنت در هندوستان، در سال ۱۹۱۸ معاون وزارت امور خارجه و از آغاز سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ وزیر امور خارجه انگلستان بود و در کنفرانس صلح ورسای که با شرکت نمایندگان فرانسه و انگلیس و امریکا به ریاست کلمانسو، نخست‌وزیر فرانسه، و با حضور لئوید جرج، نخست‌وزیر انگلیس، و ویلسن،

۱. این کتاب نخستین بار به وسیله «محمد ابن ابراهیم» (از شاگردان دارالفنون در سالهای پیش از مشروطه) و سپس به وسیله علی جواهر کلام و در سالهای اخیر به گونه جامعتر تحت عنوان ایران و قضیه ایران از سوی وحید مازندرانی ترجمه شده است.

۲. ارل روناالدشی، نویسنده انگلیسی، در کتابی که در شرح حال لرد کرزن نوشته، از ویژگی‌های اخلاقی و منش اشرافی و خودخواهی و بلندپروازی‌های او اشارات بسیار دارد.

رئیس جمهور امریکا، ماهها در کاخ ورسای در پاریس ادامه یافت و در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ به امضای عهدنامه صلح منتهی گردید، شرکت داشت و سرانجام در ۱۹۲۵ در شصت سالگی درگذشت. قرارداد جنجالی ۱۹۱۹ ایران و انگلیس که در نهم اوت میان فیروز- (نصرت الدوله) وزیر امور خارجه ایران و سِر پرسی کاکس، وزیر مختار انگلیس در تهران در زمامداری وثوق الدوله (حسن وثوق) امضا شد، با ابتکار لرد کرزن مطرح گردید.

لرد کرزن در محافل سیاسی انگلستان به عنوان یک صاحب نظر در امور ایران و هندوستان شناخته می شد و برای امنیت ایران، بخصوص مناطق جنوبی آن، از نظر پاس منافع بازرگانی و اقتصادی انگلیس در هندوستان اهمیت ویژه قائل بود.

تقریباً دو ماه پس از امضای قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ ایران و انگلستان، لرد کرزن در مهمانی شب یکم نوامبر کاخ بوکینگهام لندن که از سوی ژرژ پنجم، پادشاه انگلستان، به احترام سلطان احمد شاه قاجار، پادشاه ایران، برپا شده بود و همچنین در ضیافت شهردار لندن به عنوان وزیر خارجه انگلستان حضور داشت. او با نصرت الدوله فیروز، وزیر امور خارجه ایران، و نیز با ناصرالملک قراگزلو مناسبات دوستانه داشت.^۱

در ۱۹۰۳ که لرد کرزن نایب السلطنه و فرمانفرمای هندوستان بود، به دنبال گسترش نفوذ روسیه در ایران، پس از قرضه های مظفرالدین شاه، حضور چند ناو جنگی و بازرگانی روس در بندرعباس و فعالیت سرکنسولگری روس در بوشهر و واگذاری امتیاز راه آهن جلفا تا تبریز و تبریز تا قزوین به بانک استقراضی روس و شایعه احتمال واگذاری ساختن راه آهن سراسری ایران تا خلیج فارس به روسها باعث نگرانی محافل سیاسی انگلستان از کاهش نفوذ آن کشور در خلیج فارس شده بود. از این رو پارلمان انگلیس بیانیه ای مبنی بر اهمیت منافع سیاسی و بازرگانی انگلستان و هندوستان در خلیج فارس منتشر ساخت و از خلیج فارس به عنوان «کلید بازرگانی هندوستان» نام برد و

۱. ناصرالملک هنگام تحصیل در دانشگاه آکسفورد با لرد کرزن هم دوره بود.

پیشینه خدمات یکصد ساله دولت انگلستان و حکومت هندوستان را در سرکوبی دزدان دریایی و استقرار امنیت خلیج فارس و حضور دائمی کشتی‌های بازرگانی انگلیس در آن خلیج یاد کرد.^۱

به دنبال بیانیه پارلمان، دولت انگلیس نیز اعلام داشت: «ما خلیج فارس را برای بازرگانی تمام جهان امن و آماده کرده‌ایم؛ سراسر جنوب خلیج فارس و جزیره‌های واقع در آن قسمت، جایگاه اعرابی است که شیوخ آنها پیایی به مقام برقراری پیمانهای بسیار دوستانه با دولت انگلیس برآمده و رؤسای بزرگ سواحل خلیج فارس که از دیرباز با ما رابطه و پیمان دوستانه دارند، اتحادشان برای ما کمتر از استانهای هندوستان نیست و ما باید همان گونه که به حمایت و حفاظت راجه‌های هندوستان متعهدیم، در حمایت و حفاظت رؤسای بزرگ شیوخ سواحل خلیج فارس کوشا باشیم.»^۲

در همان اوقات، لرد کرزن با صلاح‌دید دولت و موافقت پادشاه انگلستان برای نمایش قدرت حکومت انگلستان و هندوستان و بازدید از شیخ‌نشینهای تحت حمایت و سرکشی به نمایندگی‌های سیاسی انگلیس در خلیج فارس، تصمیم به مسافرت به آن منطقه گرفت (نوامبر ۱۹۰۳) و ناوهای جنگی نیروی دریایی انگلیس در هندوستان، به فرماندهی دریادار ویلز، نیز در این سفر او را همراهی می‌کرد.

لرد کرزن در ضمن این سفر به بازدید از سه بندر ایران (بندر عباس، بندر لنگه، بندر بوشهر) نیز اظهار تمایل کرد، زیرا دولت انگلستان و هندوستان در این بنادر، بخصوص بوشهر، منافع و تأسیساتی داشت. این تمایل لرد کرزن به وسیله سِر آرتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در تهران، به آگاهی وزارت امور خارجه ایران رسید و وزارت خارجه به اطلاع مظفرالدین شاه و عین‌الدوله (وزیر اعظم) رسانید. مظفرالدین شاه فرمانفرمای فارس (علاءالدوله) را به عنوان نماینده خود برای استقبال و پذیرایی از لرد کرزن برگزید و چنین مقرر

۱. روزنامه تایمز (۲۲ سپتامبر ۱۹۰۳).

۲. همان.

شد که در این سه بندر جنوبی ایران از او به عنوان مهمان رسمی دولت ایران با احترامات شایسته پیشواز و پذیرایی شود. برنامه پذیرایی با توافق وزارت امور خارجه ایران و سفارت انگلستان در تهران تنظیم شد و تشریفات پرهزینه‌ای هم فراهم آمد. در بندر عباس و بندر لنگه تشریفات استقبال انجام گردید و حکمران کل بنادر در کشتی به دیدار او رفت و از سوی شاه ایران خوشامد گفت، ولی فرمانفرما در آن دو بندر پیاده نشد.

در بوشهر که از نظر موقعیت بندری و حضور نماینده مقیم بریتانیا و اداره بزرگ تلگراف هند و اروپا و اداره پست انگلیس و هند و وجود کشتی‌های بازرگانی و ناو جنگی انگلیس و شماری اتباع انگلیسی و نیز بازرگانان هندی، اهمیت بیشتر داشت، تشریفات باشکوه‌تر فراهم آمده و چنین برنامه‌ریزی شده بود که فرمانفرمای هندوستان در آنجا پیاده شود و دو شب توقف کند.

علاء الدوله، فرمانفرمای فارس، از سوی شاه ایران مأمور استقبال و پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان در این بندر بود. اما بر اثر تغییرات ناگهانی در برنامه و اختلاف نظر در چگونگی ورود و پیشواز و پذیرایی، فرمانفرمای هندوستان پس از دو شبانه‌روز که در کشتی خود در آبهای ساحلی بوشهر به سر برد، از پیاده شدن در بوشهر خودداری کرد و به گونه تعرض، آن بندر را ترک گفت و با اسکورت خود راهی هندوستان شد.

این رفتار لرد کرزن نه تنها باعث شگفتی و ایجاد نگرانی سیاسی برای دولتمردان ایران شد، بلکه در کشورهای اروپا و بخصوص در محافل سیاسی و پارلمانی و مطبوعات انگلیس و هندوستان بازتابهای شدید پدید آورد و موجب تفسیرهای گوناگون گردید و این رویداد برای مدت چند ماه میان دولت انگلیس و ایران به یک مسئله و درگیری سیاسی تبدیل گردید و یک حادثه تاریخی شد.

چون آگاهی بر چگونگی این رویداد برای جوانان دانش‌پژوه ما و برای دوستداران تاریخ سیاسی قرن گذشته ایران بایسته و آموزنده می‌باشد، بویژه

که تاکنون در این باره تحقیق و تألیف خاصی فراهم نشده است، از این رو و به منظور عرضه گوشه‌ای از تاریخ ایران در روزگار قاجاریه، اسناد مربوط به این رویداد را که در آرشیو وزارت امور خارجه موجود بود، با اجازه جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر دانش پرور امور خارجه و مساعدت جناب آقای عباس ملکی، مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه، از آغاز تا پایان مورد مطالعه و بررسی قرار دادم و اینک این کتاب بر پایه همان اسناد عرضه می‌گردد.

ابراهیم صفائی

اردیبهشت ۱۳۷۰

روزیکم رجب ۱۳۲۱ ق (۳۱ شهریور ۱۲۸۲ خ = ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۳ م) میرزا مهدی خان (امجدالسلطنه)^۱ کاردار سفارت ایران در لندن ضمن یک تلگراف رمز به مشیرالدوله نایینی، وزیر امور خارجه ایران چنین اطلاع داد:

«از قرار تلگراف رویترا از هندوستان، فرمانفرمای هندوستان^۲ در اواخر نوامبر به کراچی، مسقط و بنادر خلیج فارس خواهد رفت و از رؤسای سواحل عرب که با انگلیس معاهده دارند دیدار خواهد کرد. چند کشتی جنگی در ملازمت فرمانفرما خواهد بود. وزیر مختار انگلیس در تهران هم در دهنة خلیج فارس فرمانفرما را استقبال خواهد کرد و در مدت گردش فرمانفرما همراه ایشان خواهد بود.»^۳

روز چهارم رجب ۱۳۲۱ ق (سوم مهر ۱۲۸۲ خ = ۲۶ سپتامبر ۱۹۰۳ م) سیر آرتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در تهران، به وزیر خارجه ایران چنین نوشت: «دوستدار شرف دارد خاطر محترم عالی را مستحضر سازد از اینکه جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان خیال دارند که برحسب دستورالعمل اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان در ماه نوامبر آینده به خلیج فارس تشریف بیاورند و یک دسته (اسکور) کشتی های جنگی همراه خواهند داشت. اولین

۱. مهدی علائی پس از درگذشت پدرش در ۱۲۹۷ خ لقب «علاء السلطنه» گرفت.

۲. لرد جرج ناتانیل کرزن

۳. تلگراف رمزیکم رجب ۱۳۲۱ ق کاردار سفارت ایران در لندن.

قصده جناب معظم له این است که ممالک مختلفه اعراب واقعه در ساحل جنوبی خلیج فارس را که رؤسای آنها (چنانکه جناب مستطاب اجل عالی مستحضر می باشند) ارتباط مخصوص با دولت هندوستان دارند، مشاهده کنند و به قنصلگری ها و وکالتخانه های سیاسی که در آن نقاط دارند سرکشی نمایند، ولی محض احترام دولت اعلی حضرت پادشاه ایران نمی خواهند که درضمن این مسافرت به خلیج فارس، بنادر عمده ایران واقعه در شمال این دریا را که در آنجا دولت هندوستان مصالح سیاسی و تجارتي عمده دارد، مستثنی بدانند. یقین است دولت ایران مایل خواهند بود که به وسیله بروز احترامات مخصوصه و حسن نیات خود نسبت به جناب مستطاب اجل فرمانفرما که نماینده بزرگ اعلی حضرت پادشاه انگلستان^۱ در آسیا می باشند، در بوشهر و سایر بنادر ایران که دسته کشتی های جنگی وارد می شود، روابط دوستی خود را با اعلی حضرت پادشاه انگلستان مشهود سازند.

از این مسافرت که جناب مستطاب معظم له برحسب امر اعلی حضرت پادشاه انگلستان به سواحل خلیج فارس می فرمایند، دوستدار گمان دارد که دولت ایران از عزم راسخی که دولت انگلستان برای حفظ و وقایه حقوق خود، که با حقوق و مصالح اعلی حضرت پادشاه ایران در آن نقاط یکی است و همچنین از عزمی که در استحکام تفهیم مستحسنه که از چندین سال قبل خوشبختانه فیما بین این دو مملکت همجوار برقرار بوده است، ثبوت تازه ای مشاهده فرمایند. در باب جزئیات پذیرایی که از طرف اعلی حضرت پادشاه ایران نسبت به جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان در بوشهر و سایر بنادر ایران به عمل می آید، بزودی با جناب مستطاب اجل عالی مذاکره خواهد نمود. در این موقع احترامات فائقه قلبی خود را تجدید می نماید، فی چهارم شهر رجب المرجب ۱۳۲۱، آرتور هاردینگ.^۲

۱. ادوارد هفتم

۲. نامه سفارت انگلیس در تهران (۴ رجب ۱۳۲۱ ق).

روز دیگر هاردینگ با وزیر امور خارجه ایران دیدار و درباره مسافرت لرد کرزن گفتگو نمود. همان روز وزیر امور خارجه نزد مظفرالدین شاه رفت و موضوع را به اطلاع او رسانید و با عین الدوله (وزیر اعظم) نیز گفتگو کرد و ضمن یک تلگراف رمز از سفارت ایران در لندن خواست در این زمینه از مقامات وزارت امور خارجه انگلیس آگاهی های بیشتر به دست آورده، فوری اطلاع دهد.^۱

دو روز بعد، میرزا محمد علی خان علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن، در یک تلگراف رمز چنین پاسخ داد:

«فرمانفرمای هندوستان با صلاحدید دولت انگلیس برای تقویت شیوخ تحت الحمايه خود و نمایش نفوذ و قدرت خویش در خلیج فارس مبادرت به سفر و پروگرام این مسافرت را طرح کرده و در ۱۹ نوامبر از مسقط و ۲۱ نوامبر از شارجه و ۲۲ نوامبر از بندرعباس و بیست و ششم نوامبر از بحرین و سی ام نوامبر از کویت و چهارم دسامبر از بوشهر و هفتم از بوسنی^۲ دیدن خواهد کرد.»^۳

پس از وصول تلگراف رمز وزیر مختار ایران، از سوی شاه، علاء الدوله فرمانفرمای فارس به عنوان میزبان فرمانفرمای هندوستان در بنادر جنوب ایران (بندر عباس و بندر بوشهر) تعیین شد و از سوی وزارت امور خارجه به اطلاع سفارت انگلیس رسید و قرار شد سفارت انگلیس برنامه سفر فرمانفرمای هندوستان را به بنادر جنوبی ایران ارائه دهد و موضوع به وسیله تلگراف به علاء الدوله نیز اطلاع داده شد.

روز یازدهم رجب کارگزار وزارت امور خارجه ایران در بوشهر در این زمینه به وزارت امور خارجه چنین تلگراف کرد:

«چند روز است شهرت کرده که لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان به بوشهر

۱. یادداشت بی تاریخ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه.

۲. بوسنی، نزدیک مکران جزو بلوچستان انگلیس.

۳. رونوشت کشف تلگراف رمز دهم رجب وزیر مختار ایران در لندن.

یک است و همچنین از غیر سکه هم تسخیر شده اند و چندین بار در شکارهای این دولت مجار بر تاج است و در
 شکار در فرانسه
 در باب جزایات جزایه در طرف انگلیس است و در این کتاب نیز در غیر اینها نیز در این کتاب در این کتاب
 ۱۳۲۱
 زودتر از این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب

Arthur H. H. H. H.

خواهد آمد و لرد هاردینگ وزیر مختار انگلیس نیز اینجا آمده، با یکدیگر ملاقات خواهند کرد و به اتفاق به عربستان خواهند رفت. معلوم است در این موقع اگر این شهرت راست باشد، این ملاقات و این مسافرت چه اندازه دارای اهمیت خواهد بود. در صورت صدق البته دستورالعملهای لازمه از طرف وزارت جلیله خارجه راجع به وظایف کارگزاری صادر خواهد شد.^۱

و نیز کارگزار خرمشهر در دوازدهم رجب ضمن تلگرافی اطلاع داد:
«در این حدود شهرت دارد که لرد کرزن، فرمانفرمای هندوستان، با یک دسته کشتی جنگی از این حدود خواهد گذشت و ظاهراً مقصد اصلی از این سفر، سرکشی به بنادر و حدود مسقط و بحرین و کویت می باشد.»^۲

وزیر امور خارجه به هر دو کاردار با تلگراف چنین پاسخ داد:
«تلگراف شما در باب ورود فرمانفرمای هند به بنادر ایران رسید. صحیح است، در اواسط ماه رمضان به بندر عباس و لنگه و بوشهر وارد خواهند شد.»^۳
روزنامه تایمز لندن روز شانزدهم نوامبر ۱۹۰۳ درباره مسافرت لرد کرزن به خلیج فارس نوشت:

«خلیج فارس برای تجارت ما اهمیتی مخصوص دارد. خلیج فارس بر اثر اقدامات انگلیس بر روی تمام دنیا گشوده شد. ما دزدان دریایی را از آنجا بیرون کردیم، خرید و فروش غلام و کنیز را منع کردیم، رؤسای بومی بیشتر نقاط خلیج بر اثر همراهی ما به حقوق خود رسیده اند، بسیاری اقدامات دیگر برای پاس نفوذ و منافع ما لازم است. فرمانفرمای هندوستان در مسافرت خلیج فارس این مطالب را در نظر دارد و راجع به تغییراتی که در اوضاع ایران حاصل شده است با سِر آرتور

۱. تلگراف یازدهم رجب کارگزاری بوشهر.

۲. تلگراف ۸۸۵ (۱۲ رجب) کارگزاری محمره (خرمشهر).

۳. پیش نویس تلگراف ۲۰ رجب ۱۳۲۱ ق وزارت امور خارجه.

هاردینگ وزیر مختار تهران که به خلیج فارس خواهد آمد مشورت خواهد کرد.^۱ سفارت انگلیس برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان به بنادر ایران را تنظیم کرده و روز ۲۳ رجب به وسیله عباسقلی خان نواب، دبیر شرقی سفارت، برای وزیر امور خارجه فرستاد. او هم به نظر شاه و وزیر اعظم رسانید و پس از اعلام موافقت، هاردینگ برنامه را برای اطلاع فرمانفرمای هندوستان بدین گونه تلگراف کرد:

«در بندر عباس^۲ — پس از ورود جناب عالی به بندر عباس، حکمران بنادر ایران به جهاز (کشتی) آمده و به اتفاق جناب عالی به خشکی خواهد آمد. در حینی که سلام می‌دهند، فرمانفرمای فارس در همان نقطه در ساحل دریا از جناب عالی پذیرایی خواهند کرد و جناب عالی در خانه حکومتی از ایشان بازدید خواهید نمود و شام در همان شب با ایشان صرف خواهید فرمود و فرمانفرمای فارس

۱. ترجمه از روزنامه تابمز، پیوست گزارش ۲۵ رجب ۱۳۲۱ ق سفارت ایران در لندن.
۲. بندر عباس که در سده شانزدهم میلادی (مانند جزیره هرمز) از پایگاههای بازرگانی پرتغالی‌ها بود و بندر گامیرون نامیده می‌شد، در زمان شاه عباس اول، به فرمان او به وسیله سپاهیان تحت فرمان امامقلی خان، حکمران لار (فرزند الله وردی خان، فرمانفرمای فارس) با کمک کشتی‌ها و نیروی دریایی انگلیس با بیرون راندن پرتغالی‌ها به تصرف ایران درآمد و به «بندر عباسی» نامبردار شد (۱۶۱۴ م) و به فرمان شاه عباس گروهی صاحبان حرفه را به آنجا آوردند و یک دژ محکم برای سکونت آنها ساختند. کمپانی هند شرقی انگلیس هم در آنجا از نظر منافع بازرگانی امتیازاتی به دست آورد و مراکز بازرگانی خود را در آنجا مستقر ساخت. هلندی‌ها و سپس فرانسوی‌ها نیز در آنجا فعالیت بازرگانی آغاز نمودند و نام «بندر عباسی» رفته رفته به «بندر عباس» تبدیل گردید.

جزیره قشم هم در سال ۱۰۳۱ ق (۱۶۲۲ م) و چند ماه پس از آن جزیره هرمز به وسیله سپاهیان امامقلی خان (که در آن هنگام بر اثر درگذشت پدرش خود فرمانفرمای فارس بود) با کمک کشتی‌ها و سپاهیان انگلیس و با درگیری چند ماهه و خونین تصرف شد و شاه هرمز که خود را محمود شاه می‌نامید، پس از شکست پرتغالی‌ها به اسارت نیروی امامقلی خان درآمد و با وزیر و مستوفی خود به شیراز اعزام شد. پرتغالی‌ها از هرمز به مسقط رفتند و پس از تصرف مسقط از سوی امام عمان که با کمک نیروی انگلیس روی داد (۱۶۵۱ م) آنجا را نیز ترک گفتند.

آثار ویرانه‌های دژ و مراکز نظامی و بازرگانی پرتغالی‌ها هنوز در جزیره هرمز دیده می‌شود.

شب بعد با جناب عالی در کشتی صرف شام خواهند کرد و بعد از حرکت شما فرمانفرمای معزی الیه برای بوشهر حرکت می‌کند.

در بندر لنگه — حکمران بنادر ایران در کشتی از جناب عالی ملاقات خواهد کرد و خود من از طرف جناب عالی از ایشان بازدید خواهم نمود. شام در آنجا صرف نخواهد شد.

در بندر بوشهر — به محض ورود جناب عالی حکمران بنادر ایران به کشتی آمده، کارگزار و سایرین را معرفی خواهد کرد. فرمانفرمای فارس شام را با جناب عالی صرف خواهد نمود و شب بعد در خشکی با معزی الیه صرف شام می‌فرماید، ولی دیگر ملاقات رسمی نخواهد شد، زیرا در بندر عباس این کار انجام شده است. قنصل جنرالهای خارجه (سرکنسولها) در کنسولگری یا در کشتی از جناب عالی ملاقات می‌نمایند و من از سوی جناب عالی از آنها بازدید نموده، کارت خواهم گذاشت.

روز دوم ورود جناب عالی، انگلیسی‌ها در کنسولگری شرفیاب خواهند شد و پس از آن، سرکنسول به افتخار ورود جناب عالی و فرمانفرمای فارس شام خواهد داد و فرمانفرمای فارس تا بندرگاه همراه جناب عالی خواهند بود و حکمران بنادر با جناب عالی به کشتی خواهد آمد. فرمانفرمای فارس حق بیست و یک تیرتوپ احترام دارند. ایشان یکی از سه فرمانفرما هستند که دو نفر دیگرشان در خراسان و کرمان می‌باشند. این سه نفر به جای عنوان و سمت «والی» و «حاکم» عنوان «فرمانفرما» دارند. خوب است قبل از ملاقات رسمی در بندر عباس، غیررسمی در مسقط جناب عالی را ملاقات کنم. روز پانزدهم نوامبر با جهاز «اسفیکس» به آنجا حرکت خواهم کرد.^۱

وزیر خارجه ایران نیز روز ۲۵ رجب برنامه پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان را

۱. نقل از رونوشت تلگراف هاردینگ به لرد کرزن.

در بنادر جنوب ایران طی یک تلگراف بدین سان به علاءالدوله فرمانفرمای فارس اطلاع داد:

«از قرار اظهار سفارت انگلیس جناب مستطاب لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان هیجدهم نوامبر به مسقط و بیست و دوم نوامبر به بندر عباس و اول یا دوم دسامبر به بوشهر خواهند آمد؛ وزیر مختار انگلیس هم خواهد رفت که با همان کشتی به بحرین برود. یک روز در بندر لنگه و یک روز در بندر عباس و دو روز در بندر بوشهر توقف می فرمایند، ولی در کشتی خواهند ماند. به بندر که می رسند برای دید و بازدید در عباسی و لنگه پیاده می شوند و در دیگر بنادر پیاده نمی شوند و به چابهار و جاسک نمی روند.

به مناسبت فرمانفرمایی جناب مستطاب عالی در فارس، حسب الامر الاقدس الاعلیٰ روحنا فداء لازم است جناب عالی در وقت ورود جناب فرمانفرمای هندوستان که چهار کشتی جنگی هم همراه دارند، در عباسی حاضر بوده، از پذیرایی و احترامات ایشان فروگذار نفرمایید. در بندر عباسی، در کشتی ایشان را ملاقات نمایید و بعد از این دید و بازدید مهمانی بدهید، و شرایط پذیرایی و مهربانی را کاملاً به عمل بیاورید و در بوشهر خدا حافظی نمایید.

هرچه لازم است از حالا تهیه نمایید و مراقبت کامل به ظهور رسانید؛ جواب تلگراف را هم زودتر بدهید که به عرض برسد. با چاپار هم تفصیل نوشته شده است. کشتی «پرس پلّیس»^۱ هم در اختیار جناب عالی خواهد بود، در باب سرباز و معلم و غیره هرچه لازم است تلگراف بفرمایید که از وزارت جنگ حکم بدهند در این بنادر زودتر حاضر شوند و باید نوعی باشد که هیچ گونه نقصانی در کار نداشته باشید.»^۲

۱. کشتی «پرس پلّیس» یکی از دو کشتی بود که مظفرالدین شاه برای حضور در آبهای ساحلی جنوب ایران خریداری کرد. کشتی دیگر «کشتی مظفری» نامیده شده بود.

۲. پیش نویس تلگراف ۲۵ رجب ۱۳۲۱ ق به خط وزیر امور خارجه (مشیرالدوله نایینی).

علاءالدوله فرمانفرمای فارس در ۲۶ رجب ضمن یک تلگراف از وزیر امور خارجه خواستار تلگراف حضوری با او و با وزیر جنگ (وجه الله میرزا سپهسالار) شد، این تلگراف حضوری روز ۲۷ رجب انجام و علاءالدوله متعذر گردید که وقت برای تدارک امکانات و حضور او در بندر عباس کافی نیست و حضور او در این فاصله کوتاه در بندر عباس دشوار می باشد و برای پذیرایی در بندر عباس هیچ گونه وسیله و افواج نظامی و دسته موزیک و چادر و میز و مبل و دیگر وسایل وجود ندارد و تهیه اینها مستلزم داشتن وقت و پول و کشتی برای حمل آنها می باشد و افزون بر این مشکلات، غیبت او از شیراز در این هنگام که زمان کوچ ایلهای قشقایی و محلی است در فارس موجب ناامنی خواهد شد و افزود که بندرعباس جزء حکومت فارس نیست و شایسته است حکمران بنادر جنوب برای استقبال از فرمانفرمای هندوستان به بندر عباس برود.^۱ پس از آنکه گزارش تلگراف حضوری به اطلاع شاه رسید، شاه نظر علاءالدوله را تأیید کرد و نظر داد که در بندر عباس، سالار معظم حکمران بنادر از فرمانفرمای هندوستان استقبال کند و علاءالدوله در بوشهر این وظیفه را انجام دهد و نیز شاه نظر داد که چون فرمانفرمای هندوستان در بنادر ایران مهمان دولت ایران است، در بوشهر باید در خانه ای که دولت ایران برای ورود ایشان آماده می کند، وارد شود.

وزیر امور خارجه درباره این تغییر برنامه با وزیر مختار انگلیس گفتگو کرد و حضور فرمانفرمای فارس را در بندر عباس موکول به یک هفته تعویق مسافرت فرمانفرمای هندوستان نمود، ولی تغییر این برنامه از پیش آماده شده مسافرت فرمانفرمای هندوستان ممکن نمی شد، چون او بایستی مطابق برنامه قبلی در روز معین به کراچی برود و دوروز پس از آن برای انتصاب یکی از شاهزادگان هند به راجپوت رهسپار شود و نیز در تاریخ معین به دهلی، مقر فرمانفرمایی خود در

۱. تلگراف حضوری علاءالدوله (۲۷ رجب ۱۳۲۱ ق).



منه
على كلنا
فارجع اصل طلب
اطلاعات

تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۸
کشف شد
کبریا مطهر
۱۳۵۸

هندوستان باز گردد.^۱

پس از گفتگوی وزیر امور خارجه ایران با وزیر مختار انگلیس، چنین توافق شد که در بندر عباس حکمران بنادر (رضا قلی خان سالار معظم)^۲ و در بوشهر علاوه بر حکمران بنادر، فرمانفرمای فارس از فرمانفرمای هندوستان استقبال نماید. سفارت انگلیس این تغییر برنامه را به فرمانفرمای هندوستان تلگراف کرد و پیشنهاد نمود که او هم با این تغییر برنامه موافقت کند.

هاردینگ روز پنجم شعبان با مظفرالدین شاه دیدار و تودیع کرد و روز ششم شعبان (۲۷ اکتبر ۱۹۰۳) برای استقبال فرمانفرمای هندوستان و حضور در خلیج فارس از طریق کاشان و اصفهان رهسپار شیراز و بوشهر شد.

روز نهم شعبان گراننداف، کاردار سفارت انگلیس، با وزیر امور خارجه ایران دیدار کرد و موافقت فرمانفرمای هندوستان را با تقدیم یک نامه رسمی اعلام داشت. فرمانفرمای هندوستان در ضمن یک تلگراف گفته بود:

«با نهایت میل، محل رسمی بوشهر را به جهت پذیرایی فرمانفرمای فارس قبول می‌کنم و نیز اینکه تکلیف شده است که به اتفاق فرمانفرمای معزی‌الیه به خانه حکومتی بوشهر بروم، قبول می‌نمایم. اگر فرمانفرمای مزبور ممکن نیست که به بندر عباس تشریف ببرند، برحسب تصویبی که شما در باب پذیرایی در بندر عباس نموده‌اید، رفتار خواهد شد.»^۳

در دیدار گراننداف با مشیرالدوله (وزیر امور خارجه)، مشیرالدوله پیشنهاد کرد که در بوشهر فرمانفرمای هندوستان پس از آنکه مورد استقبال علاءالدوله قرار گرفت، به دیدن علاءالدوله برود، در حالی که چنین نکته‌ای در برنامه مورد توافق

۱. یادداشت بی‌تاریخ سفارت انگلیس.

۲. در ۱۳۲۶ ق (پس از درگذشت حسینقلی خان نظام السلطنه) رضا قلی خان لقب «نظام السلطنه» گرفت.

۳. نامه نهم شعبان ۱۳۲۱ ق سفارت انگلیس.

قبلی سابقه نداشت و شاید با نزاکت دیپلماسی هم سازگار نبود. گراننداف این پیشنهاد را به وسیله تلگراف به وزیر مختار که در راه سفر بوشهر، اینک به اصفهان رسیده بود، اطلاع داد و کسب تکلیف کرد. این پیشنهاد موجب شگفتی هاردینگ شد و در یک نامه طولانی که در پانزدهم شعبان از اصفهان به وسیله پیک مخصوص برای مشیرالدوله فرستاد، چنین نوشت:

«حضرت مستطاب اجل اشرف دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرماً، مهرباناً، با کمال احترام زحمت افزا می شود که دوستدار دیشب سالماً وارد اصفهان شدم و صبح دوشنبه سیزدهم شهر حال عازم شیراز هستم؛ امیدوارم انشاء الله تعالی مزاج شرافت امتزاج حضرت عالی قرین صحت و سلامت خواهد بود.

البته از جناب مستر گراننداف شنیده اید که حضرت مستطاب فرمانفرمای هندوستان مصلحت حضرت عالی را در باب پذیرایی خود در بندر عباس و لنگه از طرف حاکم بنادر قبول نموده اند و جناب مستطاب علاءالدوله را در عمارتی که دولت علیه مرتب می نمایند، پذیرایی خواهند کرد، چون حسب المیل حضرت عالی بود، به حضرت مستطاب تلگرافاً مصلحت دادم که از همین قرار رفتار نمایند. لیکن از اینکه حضرت عالی چنین مصلحت دانسته اید که حضرت مستطاب فرمانفرما به هر اسم و رسم که باشد، نخست به دیدن جناب مستطاب علاءالدوله بروند، مورد تعجب دوستدار گردید.

خود دوستدار که فقط منصب وزیرمختاری دارم نمی توانم در شیراز چنین بنمایم، چون برحسب عهدنامه، وکلای دول خارجه فقط می توانند نخست به دیدن وزیر اعظم دولت علیه و اولاد اعلی حضرت شهریاری بروند و برحسب معمول در زمان ورود، وزیر جلیل امور خارجه را نیز آقایان وزرای خارجه، چنانچه حضرت عالی مسبوق هستید فقط یک ماه قبل از این ایام ابا نمودیم که نخست به دیدن نواب اشرف والا عین الدوله برویم،^۱ با وجودی که شاهزاده اند، یقین است

۱. جمله بندی متن نامه وزیر مختار در این بخش از نامه پیچیده و قدری مبهم می باشد.

جانب بعبه الی هم چهل چهل
نصف چهل

توف دارد و طمطم علی دستم نازد و در اسکله عارف در ایستگاه صد و ده

رسیده

(بناست میر قمر رسی در شهر بهجت پور و از آنجا فرستادند و در آنجا رسیدند)

کسیف فرستادند و با آن فرستادند و از آنجا فرستادند و در آنجا رسیدند
نزد کتبی نیست و به بندر جاس تریف برز و به بندر جاس تریف
نورده لیر و شار خیمه (در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند)

حضرت عالی رتبه ایشان را کمتر از جناب مستطاب علاء الدوله تصور نمی فرمایند، پس فرمانفرما که درجه ایشان از وزیر مختار بس بالاتر است و در همین اواخر در شهر دهلی بر اخوی اعلی حضرت پادشاه انگلستان در مجالس تقدم داشتند، چگونه می توان اراده کرد رفتاری نمایند که ماها مضایقه می نماییم. سوای عهدنامه، چنانچه عهدنامه هم نبود، شرایط ادب جمیع دول چنین اقتضا می کند که در صورتی که مرتبه طرفین هم مساوی باشد، مضیف به استقبال ضیف می رود،^۱ او را در کالسکه به یمین خود می نشاند و اولاً از او دیدن می نماید. این ملاحظه منزل رسمی به هیچ وجه دخلی به مسئله فوق ندارد، بدین گونه رئیس جمهوری فرانسه اول به دیدن اعلی حضرت پادشاه انگلستان رفتند در سفارت کبرای انگلستان در پاریس و به همین قسم اعلی حضرت پادشاه انگلستان با رئیس جمهوری فرانسه می نمودند، چنانچه در سفارت کبرای فرانسه در لندن منزل نموده بودند، ولی رئیس جمهوری در این سفر مهمان حضرت والا پرنس دوکال بودند در یورگ هوس و اعلی حضرت پادشاه انگلستان اول به دیدن ایشان تشریف بردند در همان جا، فی الواقع اعلی حضرت پادشاه مهمان رئیس جمهوری بودند در سفارت کبرای فرانسه برای صرف شام، در صورتی که پادشاهی هنگام مسافرت در سفارت خود منزل فرماید و نه در عمارت دولتی بسا چنین اتفاق می افتد که پادشاهان در همان جا از پادشاهان دیگر پذیرایی می نمایند و لهذا همین قانون و رسم هم برای وکلای ایشان مجری است.

پس در این صورت برای این اختراعی که حضرت عالی اشعار فرموده اید چه جهت و دلیلی می باشد، امیدوارم در پذیرایی حضرت مستطاب فرمانفرمای هندوستان هیچ نوع اشتباهی در درجه و رتبه ایشان واقع نشود، چون حضرت مستطاب معظم الیه اعلی درجه مقام وکالت شخص اعلی حضرت پادشاه انگلستان

۱. مضیف - ضیف = مهماندار - مهمان

را در اقلیم شرقی دارند و واضح است که چنانچه تمام قشون برحسب شرایط عهدنامه در ورود سفیر فوق العاده برای احترام حاضر می‌شوند نیز برای احترام حضرت مستطاب فرمانفرما معمول خواهد شد.

حضرت مستطاب معظم الیه هیچ‌گونه رسالت پولتیکی در بنادر ایران ندارند، ولی حسب الامر اعلی حضرت پادشاه انگلستان و محض ظهور علامت احترام نسبت به اعلی حضرت همایونی در دوره مسافرت خود به مشایخ اعرابی که با دولت هندوستان طرف معاهده هستند، به این بنادر تشریف خواهند آورد. از فرمایشات اعلی حضرت شاهنشاهی و مأموریتی که به جناب مستطاب علاء الدوله عنایت فرموده‌اند، کمال محبت ملوکانه نسبت به حضرت مستطاب فرمانفرمای هندوستان ظاهر و آشکار بود، در یوم یکشنبه پنجم شهر حال هنگامی که دوستدار افتخار شرفیابی حضور همایونی را برای وداع حاصل نمود. بدیهی است احساسات قلبیه حضرت عالی هم از همین قرار خواهد بود، آرتور هاردینگ.^۲

مشیرالدوله پس از دریافت نامه هاردینگ خواست پاسخ اعتذارآمیز و فوری بدهد، ولی هاردینگ از اصفهان به سوی بوشهر رهسپار شده بود. همین که به بوشهر رسید، مشیرالدوله که متوجه شد پیشنهادش خلاف نزاکت سیاسی و آداب دیپلماسی بود، در ۲۵ شعبان در یک تلگراف به هاردینگ تأکید کرد که «برنامه پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان همان‌طور که قبلاً توافق شده و به اطلاع ایشان رسیده انجام خواهد شد و هرگونه احترامات و پذیرایی باید از سوی فرمانفرمای فارس بشود، او پیشنهاد اخیر خود را برای دیدار لرد کرزن از علاء الدوله حاشا کرد و مدعی شد که در تلگراف گراننداف اشتباه روی داده و اظهار امیدواری کرد که این شبهه از خاطر وزیر مختار رفع شده و به دوستی‌های خالصانه او معتقد باشد.^۱

۱. نامه یازدهم شعبان هاردینگ وزیر مختار انگلیس.

۲. پیش‌نویس تلگراف به خط مشیرالدوله وزیر امور خارجه.



H. M. Consulate General,
Yapahon.

۱۳۲۱
شعبان

حضرت شهاب البدر شرف در شهر اصفهان متولد گردید، کمال قهر و کرامت از او آشکارا می شود و در سن ۱۰ سالگی در
 مشهد شریف و صبح در شب بیستم شهر و اول ماه شمس از شهر آمد و در راه به واسطه تشنگی و شرف از شهر خارج گردید و در
 خواب بود البتة از جانب سکرانیت دف شنیده و بد که حضرت شهاب فرزانة عالم است و در آن وقت حضرت خضر علیه السلام
 در باب پذیرای خود در بندر حاضر گردید از طرف عالم با در قیام نمود و در جانب شهاب عهد و آلوده را در محبت و دوستی
 می نمایند پذیرای خود کردند و در چشم البدر حضرت عالم با خود حضرت شهاب فرزانة عالم را در محبت و دوستی
 زنده نمایند و گفتند که اینک حضرت عالم با خود حضرت شهاب فرزانة عالم را در محبت و دوستی
 حضرت شهاب علیه السلام در روز مورد تعجب است که در محبت و دوستی حضرت شهاب فرزانة عالم را در محبت و دوستی
 چنین بنام خیر و حب محمد نام و در هر حال خیر و محبت و دوستی حضرت شهاب فرزانة عالم را در محبت و دوستی
 و در حب محمد در این روز در حب محمد و در این روز در حب محمد و در این روز در حب محمد و در این روز در حب محمد
 که حضرت شهاب البدر شرف علیه السلام در روز در حب محمد و در این روز در حب محمد و در این روز در حب محمد
 حضرت شهاب علیه السلام در روز در حب محمد و در این روز در حب محمد و در این روز در حب محمد
 و این بر غیر حضرت پادشاه اصفهان در محبت و دوستی حضرت شهاب فرزانة عالم را در محبت و دوستی

مرتبه سراسر عهد به چنگ عهد نامه هم بود شرایط ادب مجمع و اخین قضاوت کردند که در صورتی که در این طریق هم در این منصب
 ضعیف بود و در ادراک کاسه به این خوش نشاند و در ادراک ادب هم نماند به این خطه متزل به هر چه بود و به سبب فوق بنامید به این که به هر چه بود
 اول بدین هم معصرت پادشاه انگلستان نقد در سعادت کبر انگلستان در پیر بهین قسم هم معصرت پادشاه انگلستان به این که به هر چه بود
 چنانکه سعادت کبر فرزند در اندر متزل به بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 انگلستان اول به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 در این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 شکر معصرت پادشاه انگلستان به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 مرتبه نیز در این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود

حضرت مستطاب معظّم الله بهیچ کورس است به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 معصرت به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 معصرت به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 معصرت به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود
 حضرت مستطاب معظّم الله بهیچ کورس است به این که به هر چه بود و به این که به هر چه بود

از آن پس مشیرالدوله نامه‌های سفارت انگلیس و گفتگوهای با هاردینگ و گراننداف کاردار آن سفارت را به اطلاع شاه و عین الدوله رسانید و با تصویب شاه و عین الدوله برنامه تشریفات ورود و پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان را در بندرهای جنوب ایران به این شرح به علاء الدوله تلگراف کرد:

«دستورالعمل ورود جناب مستطاب لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان در بنادر فارس که به اتفاق سفارت دولت انگلیس قرار داده شده، از این قرار است:

در بندر عباس پس از ورود جناب مستطاب فرمانفرمای هندوستان، جناب سالار معظم حکمران بنادر ایران به جهاز [کشتی] رفته، تبریک ورود می‌گوید و به اتفاق ایشان به خشکی می‌آید و سلام نظامی داده می‌شود و در این چین فرمانفرما احتراماً حق شلیک بیست و یک تیرتوپ دارند و چون جناب فرمانفرمای هندوستان به قنسولگری بندر عباس خواهند رفت، سالار معظم با ایشان همراهی خواهند کرد. در وقت عزیمت جناب فرمانفرمای هندوستان به جهاز [کشتی]، حکمران بنادر ایشان را مشایعت خواهد کرد و فرمانفرما که به بحرین می‌روند، ایشان هم به بوشهر مراجعت می‌نماید.

در بوشهر — حکمران بنادر در جهاز از فرمانفرمای هندوستان استقبال می‌نماید و به اتفاق به خشکی خواهند آمد. در حینی که سلام می‌دهند، جناب مستطاب عالی در ساحل دریا از جناب مستطاب فرمانفرمای هندوستان پذیرایی خواهید کرد و به اتفاق ایشان به منزلی که قبل از وقت در بوشهر از جانب دولت ایران به توسط جناب عالی برای فرمانفرمای هندوستان تعیین می‌گردد و منزل رسمی ایشان است تشریف خواهید برد و بعد از چند دقیقه به منزل خودتان که قبلاً تعیین شده است و منزل رسمی جناب مستطاب عالی است مراجعت خواهید نمود و جناب فرمانفرمای هندوستان در همان منزل از جناب عالی بازدید خواهند نمود و شام را همان شب در منزل خود با ایشان صرف خواهید فرمود. جناب مستطاب فرمانفرمای هندوستان شب بعد در جهاز [کشتی] با جناب عالی صرف شام

خواهند کرد. پس از آن بالیوز (نماینده سیاسی) به شرف ورود فرمانفرمای هندوستان و جناب عالی شام خواهد داد و جناب عالی وقت عزیمت فرمانفرمای هندوستان تا بندرگاه به اتفاق ایشان خواهید بود و حکمران بنادر با فرمانفرمای هندوستان به جهاز خواهند رفت.

در لنگه هرگاه در آن نقطه فرمانفرمای هندوستان آمدند، حکمران بنادر ایران در جهاز از ایشان دیدن خواهد کرد و جناب وزیر مختار انگلیس از ایشان بازدید کرده و کارت فرمانفرمای هندوستان را خواهند گذاشت.

مشیرالدوله همین برنامه را تلگرافی به سالار معظم حکمران بنادر جنوبی نیز اطلاع داد.

علاءالدوله پس از دریافت تلگراف وزیر امور خارجه حاوی برنامه پذیرایی فرمانفرمای هندوستان، خواستار تلگراف حضوری با عین الدوله (وزیر اعظم) شد و در تلگراف حضوری این خواستها را عنوان نمود:

۱. سی هزار تومان نقد برای تهیه چادر و میز و مبل و وسایل پذیرایی و لباس سرباز؛

۲. فرستادن چهارصد جفت دستکش برای سربازان و یژه گارد احترام؛

۳. اعزام فوری چند معلم پیاده نظام و معلم توپخانه و چند آشپز و خوراک پز و پیشخدمت تربیت شده آشنا با آداب خدمت سرمیز؛

۴. اعزام موزیکانچی با اسباب موزیک و لباس ماهوت اعلی برای موزیکانچی ها؛

۵. ارسال لباس وزین و برگ اسب برای پنجاه نفر قزاق مخصوص؛

۶. ارسال لباس رسمی علاءالدوله با دکمه سردست و شال گردن و کلاه پوست و چکمه برقی و نشان و حمایل و نیز لباس سرمیز (که در منزل او در تهران موجود است)؛

۷. اعزام فوج خوی به منظور کمک با فوج خمسه برای امنیت شیراز؛

۸. در اختیار گذاشتن کشتی برای حمل وسایل؛

۹. تهیه انگشتر و قالیچه و هدایایی که باید به همراهان فرمانفرمای هندوستان داده شود؛

۱۰. همراه داشتن یکصد قزاق، صد توپچی، چهارصد سرباز و پانصد سوار از ایل قشقایی و خمسه.

و نیز پیشنهاد کرد در مدت غیبت او از شیراز، مؤید السلطنه رئیس تلگرافخانه کفیل فرمانفرمای فارس شناخته شود و به ناصر دیوان، وزیر فارس و سالار السلطان، بیگلربیگی و حاکم شیراز و نصرالدوله، امیر تومان رئیس ایل خمسه و قوام لشکر تلگراف شود که آنها در مدت غیبت علاء الدوله از شیراز، زیر نظر مؤید السلطنه مسئول امور فارس می باشند و نیز خواست به ضرغام الدوله، ایلخانی قشقایی تلگرافی دستور جلوگیری از شرارت ایلات در غیاب او داده شود.^۱ پیشنهادهای علاء الدوله همان روز به اطلاع مظفرالدین شاه رسید. دستورهایی به عین الدوله، وزیر اعظم و مشیرالدوله، وزیر امور خارجه و سپهسالار، وزیر جنگ و مشیر السلطنه، وزیر دارایی داد و پیشنهاد دادن هدایا را رد کرد و در یک تلگراف ضمن قدردانی از خدمات علاء الدوله خواست پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان را به بهترین صورت انجام دهد.^۲

روز دهم شعبان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، به علاء الدوله چنین تلگراف کرد: «تلگراف حضرت عالی رسید، در باب لباس و دستکش تماماً با پست فرستاده شد، در باب احکام تلگرافی به عهده مأمورین، مخابره شد. درخصوص موزیکانچیان فوج چهارمحال تلگراف شد عاجلاً روانه نمایند. فوج چهارمحال هم روز نهم وارد فارس شده اند، در باب تعمیر توپها، سالار معظم جواب تلگراف را این طور داده که این توپها قابل تعمیر نیست، عیناً به خاکپای مبارک فرستاده

۱. تلگراف حضوری نهم شعبان علاء الدوله.

۲. تلگراف نهم شعبان مظفرالدین شاه به علاء الدوله.

خواهد شد، هرطور مقرر فرمودند معمول خواهد شد.

در باب معلم پیاده نظام، معلم آنجا هست، یمین نظام، هم وارد شد، فوج خوی هم تا سه روز دیگر حرکت می‌کند، هرچه از اینجا خواسته بودید فرستاده شد، چیزی که باقی است دستورالعمل درخصوص پذیرایی بوشهر و موضوع منزل در بوشهر است که جداگانه، تلگراف خواهم کرد، در باب خانه‌های ملک التجار به مدحت الدوله تلگراف کرده‌ام، جواب آن امروز باید برسد و البته خالی خواهد کرد، به حاکم بنادر هم الآن تلگراف شد که زود این خانه‌ها را خالی نمایند و دیگر جناب مستطاب عالی به بندر عباس نخواهید رفت. در بندرعباس جناب سالار معظم خواهد بود، جناب وزیر مختار انگلیس فردا اصفهان خواهد بود و عن قریب به شیراز می‌رسد، حسینقلی خان برای لرد کرزن از کشتی خطابۀ خیرمقدم به زبان انگلیسی ایراد نماید.^۱ نواب هم فردا از تهران روانه می‌شود^۲ از این تلگراف بر خاطر عالی مشهود خواهد شد که دو منزل باید در بوشهر تهیه نمایند، یکی منزل رسمی فرمانفرمای هندوستان باشد که آنجا به اتفاق جناب عالی ورود و دید و بازدید رسمی انجام شود، یکی برای جناب مستطاب عالی که در آنجا فرمانفرما از حضرت عالی بازدید نمایند و شب مهمان باشند، مراقبت بفرمایید خانه‌های مدحت الدوله زودتر تهیه شود که متصل به یکدیگر است.»^۳

سالار معظم حکمران بنادر روز دوازدهم شعبان درباره لزوم شتاب در رهسپاری به بندر عباس و فراهم آوردن امکانات پذیرایی، تلگرافی به وزیر امور خارجه مخابره کرد. وزیر امور خارجه تلگراف را به عرض شاه رسانید و چنین

۱. حسینقلی خان نواب (هندی تبار) از مأمورین عالی‌رتبه وزارت امور خارجه که زبان انگلیسی را هم بخوبی می‌دانست به عنوان نماینده وزارت امور خارجه برای شرکت در آیین پیشواز فرمانفرمای هندوستان روانه بوشهر گردید. وی در سالهای بعد هم نماینده مجلس و وزیر امور خارجه شد.

۲. عباسقلی خان نواب دبیر شرقی سفارت انگلیس.

۳. متن تلگراف مشیرالدوله به علاءالدوله.

پاسخ داد:

«جناب مستطاب اجل سالار معظم، تلگراف جناب عالی رسید، به عرض خاکپای مهراقتضای ملوکانه ارواحنا فداه رساندم، حکم مطاع مبارک به این طور شرف صدور یافت که سالار معظم تا ورود علاءالدوله از بوشهر نرود، بماند تا علاءالدوله وارد شده، دستورالعملی که مقرر نمودم به او ابلاغ نماید آن وقت برود. در این صورت عزیمت جناب عالی قبل از ورود جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای علاءالدوله فرمانفرمای فارس دامت شوکتہ جایز نیست تأمل نمایید پنج شش روزه وارد خواهد شد آن وقت حرکت خواهید کرد و حالا به نایب الحکومه بندر عباس و لنگه هرچه لازم است بنویسید و حرکت خودتان بماند بعد از ورود جناب مستطاب معزی الیه.

در باب کشتی هم صحیح است و همین طور حکم تلگرافی ... داده خواهد شد، در باب خانه های «مدحت الدوله» تلگراف کردم با میل تسلیم می نمایند و مراقبت نمایند هر تعمیری لازم دارد زودتر بشود و مبله حاضر باشد، در باب مواجب مدحت الدوله با جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالسلطنه، وزیر مالیه دام اقباله ... آن را مشغول است می دهند و اطلاع داده خواهد شد، البته از این بابت امکان مدحت الدوله را معطل ننمایید که کار تعمیرات خانه و غیره معوق نماند، شعبان ۱۳۲۱.

علاءالدوله بامداد روز ۲۵ شعبان با تدارکات لازم وارد بوشهر شد، سالار معظم حکمران بنادر تا دو فرسنگی بوشهر به پیشواز رفت و او را به ساختمان فرمانداری راهنمایی نمود.^۲

سالار معظم روز ۲۷ شعبان با دو توپ اتریشی و ده نفر توپچی و یکدسته سرباز و چند نفر قزاق سوار به وسیله کشتی پرس پُلّیس روانه بندر عباس شد.

۱. متن پیش نویس تلگراف با خط وزیر امور خارجه.

۲. تلگراف ۲۶ شعبان سالار معظم.

[illegible]

هاردینگ، وزیر مختار انگلیس، هم در این روز به بوشهر وارد شده و با کشتی مخصوص برای استقبال فرمانفرمای هندوستان به سوی مسقط رهسپار گردید.^۱

علاءالدوله روز ۲۶ شعبان به وزیر امور خارجه تلگراف کرد و یادآور شد که کار آب آشامیدنی در بوشهر مشکل است و خواست فوری آب آشامیدنی با کشتی به بوشهر برسانند، این تلگراف به نظر شاه رسید و با خط خود چنین دستور داد:

«مشیرالدوله، به مسیونوز (وزیر گمرک) بگویند تلگراف کند به محمره (خرمشهر) که البته آب شیرین با کشتی مظفری حمل نمایند به بوشهر ببرند.»

و وزیر گمرک هم تلگرافی دستور انجام این کار را داد.^۲ در بوشهر خانه ملک التجار و خانه مدحت الدوله که دو خانه اعیانی و نزدیک هم در حومه بوشهر بود تعمیر و تزیین و مبله و آماده پذیرایی شد (خانه مدحت الدوله برای ورود فرمانفرمای هندوستان و خانه ملک التجار برای اقامت رسمی علاءالدوله) ولی چون این دو محل تا بوشهر چند کیلومتر فاصله داشت، وزیر مختار انگلیس اطلاع داد که چون پای فرمانفرمای هند آسیب دیده، برای ورود ایشان باید عمارتی در شهر و نزدیک سرکنسولگری انگلیس در نظر گرفته شود.^۳ از این رو علاءالدوله با کسب مشورت از عین الدوله و شاه که در این روزها در قم بودند، بناچار «عمارت چهاربرج» (محل فرمانداری بوشهر) و ساختمان معروف به «کلاه‌فرنگی» را برای ورود فرمانفرمای هند با سرعت تعمیر و تزیین کرد. از روز یکم تا ششم رمضان بیش از یکصد نفر بتا و نقاش و نجار و شیشه‌بر در عمارت چهاربرج مشغول کار بودند و پس از تعمیر و تزیین ساختمانهای چهاربرج به نصب پرده و میز و مبل و آماده کردن وسایل پذیرایی اشرافی پرداختند، مقداری از این وسایل را

۱. تلگراف ۲۶ شعبان سالار معظم.

۲. نامه چهارم رمضان ۱۳۲۱ ق نوز، وزیر گمرک.

۳. ترجمه تلگراف ۲۵ نوامبر هاردینگ، وزیر مختار انگلیس.

علاءالدوله از شیراز آورده و مقداری هم از هندوستان خریداری شده و در همان روزها با کشتی به بوشهر رسیده بود.

تالار پذیرایی و تالار غذاخوری با فرشهای ابریشمین و گرانقیمت‌ترین میز و مبل و صندلی و پرده‌های مخمل آراسته گردید.^۱ عمارت امیریۀ دریابگی را هم برای همراهان لرد کرزن آماده ساخته و خلوت ساختمان چهاربرج برای اقامتگاه رسمی علاءالدوله اختصاص یافت. میدان جلو چهاربرج با فرشهای زیبا و طاقه‌های مخمل و چند هزار لاله و لامپ که از هندوستان آورده بودند آذین‌بندی و چراغان شد؛ گارد احترام و چند فوج ارتشی و محلی با لباسهای نو و ویژه آماده بودند؛ شصت شاگرد دبستان سعادت هم با لباس نو و یکسان (که به دستور علاءالدوله تهیه گردیده بود) برای شرکت در آیین استقبال آماده شدند، اسکله بوشهر نیز با فرش تزیین شده^۲ و همه چیز برای پذیرایی فرمانفرمای هندوستان آماده بود.^۳ تنها برنامه آتش‌بازی و موزیک بر اثر درگذشت ناگهانی شاهزاده خانم احترام السلطنه، دختر مظفرالدین شاه، که در همان روزها اتفاق افتاد حذف گردید.

سالار معظم نیز بامداد ۲۸ شعبان وارد بندر لنگه شد و ترتیب چراغانی و آذین‌بندی پیرامون اسکله را داد و عصر با کشتی به سوی بندر عباس رفت و بامداد بیست و نهم شعبان وارد آن بندر شد و با همکاری مجیر السلطنه و مشیرنظام (فرمانده و رئیس فوج بندر) ترتیب حضور چند صد سرباز و توپچی و چراغان بندر و آذین‌بندی اطراف اسکله را داد و یک طاق نصرت هم در جلو اسکله بسته شد و با قالی و قالیچه و چلچراغ و آئینه و فانوس تزیین گردید و چند چادر با وسایل

۱. تلگراف پنجم رمضان علاءالدوله.

۲. روزنامه شرافت مظفری، چاپ بوشهر، (۱۰ رمضان ۱۳۲۱ ق).

۳. همان.

پذیرایی در کنار اسکله برافراشته گردید و بازرگانان ایرانی و هندی بندر عباس نیز در آنجا گرد آمده و در فراهم آوردن امکانات و وسایل استقبال و پذیرایی کمک کردند. فرمانفرمای هندوستان با چهار کشتی جنگی روز ۲۸ شعبان (۱۸ نوامبر ۱۹۰۳) وارد بندر مسقط گردید. سلطان مسقط به کشتی رفته، از لرد کرزن دیدن نمود و خوشامد گفت. لرد کرزن از کشتی پیاده شد و در میان چراغانی و آذین شهر مسقط به کنسولگری انگلیس رفت. بازرگانان هندی مقیم مسقط در آنجا گرد آمده، خیرمقدم گفتند و لرد کرزن از اهمیت مسقط برای بازرگانی هند سخن گفت و روز دیگر در کشتی پذیرایی برپا شد و سلطان مسقط خطابه‌ای به زبان عربی ایراد کرد و گفت که او خود و فرزندان و جانشینانش حقوق و مساعدت‌های دولت انگلستان و هندوستان را همیشه پاس خواهند داشت. این خطابه برای لرد کرزن ترجمه شد و او نیز از رابطه سیاسی و بازرگانی میان هند و مسقط و معاهداتی که از یک قرن پیش در میان بود سخن گفت و در پایان پذیرایی، لرد کرزن به نام پادشاه انگلستان، نشان درجه اول ستاره هند را با سنجاق طلا بر سینه سلطان عمان آویخت. هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در تهران نیز در این آیین حضور داشت.^۱ هاردینگ روز سی‌ام شعبان با کشتی مخصوص از آب‌های مسقط حرکت کرد و بامداد روز یکم رمضان (۲۱ نوامبر ۱۹۰۳) وارد بندر عباس شد. او در کنسولگری با سالار معظم دیدار کرد و درباره ورود فرمانفرمای هندوستان گفتگو کرد و اطلاعاتی به او داد. عصر همان روز به شهر آمد و همراه فرماندار بنادر از آذین‌بندی و چراغان اسکله و شهر و طاق نصرت جلو اسکله و سربازهای گارد احترام و چادرهایی که برافراشته شده و وسایل پذیرایی در آنها فراهم آمده بود و نیز بازرگانان ایرانی و هندی که در آنجا گرد آمده بودند دیدن کرد و اظهار خرسندی نمود و با درشکه به محل کنسولگری بازگشت.

۱. نقل از خبرگزاری رویتر، پیوست نامه ۱۵۴۵۶ (سوم رمضان ۱۳۲۱) سفارت ایران در لندن.

فرماندار بنادر، شب در کشتی پرس پُلّیس به سر برد. کشتی نیز چراغانی شده و از دور جلب توجه می کرد. بامداد دوم رمضان کشتی فرمانفرمای هندوستان و کشتی های جنگی همراه او از دور بر پهنه آبهای بندر عباس ظاهر شدند. کشتی فرماندار بنادر به مسافت ده مایل به استقبال رفت و پس از اینکه کشتی فرمانفرمای هندوستان لنگر انداخت، بیست و یک تیر توپ شلیک کردند و کشتی پرس پُلّیس هم به این احترام با شلیک بیست و یک تیر توپ پاسخ داد.

فرماندار بنادر که خود با کارگزار و دیگر رؤسای بندر عباس با لباس رسمی در اسکله ایستاده بود، کارگزار بندر عباس را برای تبریک ورود و گرفتن اجازه ملاقات (یا به قول خودش شرفیابی) به سوی کشتی مخصوص لرد کرزن فرستاد. پس از ابلاغ پیام فرماندار بنادر، به دستور فرمانفرمای هندوستان، کامبل، سرکنسول انگلیس در بوشهر در کشتی پرس پُلّیس آمد و همراه فرماندار بنادر به کشتی فرمانفرمای هندوستان رفت و پس از کسب اجازه به سالن محل پذیرایی در کشتی راهنمایی شد. سالن کشتی فرمانفرمای هندوستان را سالار معظم این گونه توصیف کرده است:

«این سالن بیست ذرع درازا و پنج متر پهنا داشت. سقف سالن با تابلوهای رنگی شکل فیل و حیوانات هند آراسته بود. در گرداگرد سالن صندلی های نقره و طلاکاری دیده می شد. در بالای سالن دو صندلی نقره بود که دو شیر طلا دسته هریک را تشکیل می داد و چند مروارید درشت بسیار گران بها بر بالای هریک از دو صندلی نصب بود. در هر سوی سالن نگهبانهای بلند قامت هندی با لباس و عمامه قرمز هندی در حالی که چماقهای نقره و طلا کوب بلند در دست داشتند، مانند مجسمه ایستاده بودند و در پشت سر فرمانفرما یک نگهبان هندی با همان لباس درحالی که چماق طلا در دست داشت و یک نگهبان دیگر که شمعدان طلا با شمع بلند روشن در دست داشت ایستاده بود.»^۱

۱. گزارش دهم رمضان فرماندار بنادر. لرد کرزن در هندوستان در آیینهای رسمی همراه لیدی کرزن بر

فرماندار بنادر به این سالن گام نهاد و در برابر فرمانفرمای هندوستان تواضع نمود. فرمانفرما سه گام از او استقبال کرد و او را روی یکی از آن دو صندلی مخصوص در دست راست خود نشاند. دست چپ فرمانفرمای هندوستان، هاردینگ، وزیر مختار تهران، سپس دن، وزیر امور خارجه هندوستان نشستند. زیر دست فرماندار بنادر، دریادار ویلز فرمانده کشتی‌های جنگی و یک رایزن ارتشی هند و سپس کمبل، سرکنسول انگلیس مقیم بوشهر و بعد ویلیام کراسی، نایب کنسول بندر عباس و در دوشو شماری از افسران کشتی‌های اسکورت فرمانفرمای هندوستان حضور داشتند.

سالار معظم سخنانی مبنی بر تبریک ورود فرمانفرما از سوی مظفرالدین شاه و خرسندی خاطر شاه از مسافرت او و افتخاری که از این مسافرت نصیب ایران شده است و حسن روابط دوستانه دو کشور و اهمیت خلیج فارس از لحاظ بازرگانی هند و ایران، ایراد نمود که به وسیله وزیر خارجه هندوستان (که به زبان فارسی تسلط داشت) ترجمه شد. لرد کرزن از شاه ایران سپاسگزاری کرد و از سالار معظم خواست دو شب دیگر در بندر لنگه شام مهمان او باشد.^۱

پس از نوشیدن چای و قهوه، حکمران بنادر کشتی فرمانفرمای هندوستان را ترک گفت و یک ساعت بعد وزیر مختار انگلیس و وزیر خارجه هند و یک افسر انگلیسی از سوی فرمانفرما از او بازدید کردند.

در بندر عباس هیئتی از بازرگانان هندی مقیم بندر عباس از لرد کرزن دیدار کرده، خوشامد گفتند. لرد کرزن در پاسخ به آنان گفت: «نام بندر عباس با تاریخ بازرگانی انگلیس در ایران و در خلیج فارس پیوند دارد و این بندر برای

→
فیل ممتازی که پوشش پشت و پیشانی غرق در جواهر بود سوار می‌شد و صدها راجه و مهاراجه هند سوار بر فیلهای مخصوص به دنبال او حرکت می‌کردند.

۱. گزارش بی‌تاریخ سالار معظم.

بازرگانی هند، بندر مهمی است.»^۱ سپس افزود: «شما در دهنه دریایی هستید که برای هدفهای بازرگانی انگلیس و هند در آسیا، نقطه مهم و حساس می باشد.»

لرد کرزن در این سفر یک سرگرد انگلیسی را برای مراقبت در حفظ منافع بازرگانی انگلیس مأمور اقامت در بندر عباس کرد^۲ و به ویلیام کراسی که از سوی دولت هندوستان نایب کنسول بندر عباس بود سفارش کرد برای حفظ منافع بازرگانی هند و انگلیس با سرگرد همکاری کند.

لرد کرزن از بندر عباس به قصد بازدید از شارجه رهسپار شد و در میان راه از دو جزیره قشم و هرمز و آثار قدیمی و ساختمانهای زمان حضور پرتغالی ها در آن دو جزیره (بخصوص جزیره هرمز) دیدن نمود.^۳ روز چهارم رمضان (۲۴ نوامبر ۱۹۰۳) در شارجه مجلس دیدار رسمی در کشتی فرمانفرمای هندوستان برپا شد. رؤسای طوایف اعراب شارجه، دبی، عجمان و ام القوین به لرد کرزن معرفی شدند. لرد کرزن نطقی ایراد کرد و گفت: «یکی از مقاصد من در این سفر این است که رؤسا و شیوخ اعراب خلیج فارس بدانند که دولت هند همچنان در حمایت و حفظ آنان مصمم است» و از اقداماتی که از یک قرن پیش دولت هند و دولت انگلیس برای امنیت خلیج فارس و مبارزه با دزدان دریایی و جلوگیری از برده فروشی و خرید و فروش غلام و کنیز در این خلیج نموده، سخن گفت. سخنان او به عربی ترجمه شد و رؤسا و شیوخ عرب تشکر کردند، اظهار خدمتگذاری نمودند و هریک هدیه ای از لرد کرزن دریافت داشتند.

۱. بندر عباس بخصوص از نظر نزدیکی به تنگه هرمز موقعیتی حساس داشته و برای بازرگانی هند دارای اهمیت ویژه بوده است.

۲. گزارش خبرگزاری رویتر (۲۵ نوامبر ۱۹۰۳)، نقل از گزارش ۱۸۴۶۲ (۶ رمضان ۱۳۲۱ ق) سفارت ایران در لندن.

۳. خبرگزاری رویتر (۲۶ نوامبر ۱۹۰۳)؛ نقل از گزارش ۶ رمضان ۱۳۲۱ ق سفارت ایران در لندن.

کشتی فرمانفرمای هندوستان پس از بازدید از شارجه، روز پنجم رمضان (۲۵ نوامبر ۱۹۰۳) یک ساعت به غروب مانده، وارد ساحل بندر لنگه شد؛ درحالی که بندر لنگه و کشتی پرس پُلّیس چراغان شده، از دور می‌درخشید. دو ساعت از شب گذشته، درحالی که فرماندار کل بنادر لباس رسمی پوشیده و خود را آماده دیدار با فرمانفرمای هندوستان کرده بود، عبدالرحیم خان مترجم فارسی فرمانفرمای هندوستان با یک افسر انگلیسی به کشتی پرس پُلّیس آمده، مطابق دعوت قبلی، فرماندار کل بنادر را برای صرف شام به کشتی مخصوص فرمانفرمای هندوستان بردند. او دو شب پیش در دیدار با فرمانفرمای هندوستان برای امشب دعوت به شام شده بود و وقتی که به کشتی فرمانفرمای کل وارد شد، درست هنگام شام بود و میز شام در سالن مخصوص غذاخوری کشتی آماده. بهترین سرویسهای غذاخوری روی میز دیده می‌شد؛ گلدانهای ظریف و بزرگ پر از گل‌های خوشرنگ و بومیز را زینت می‌داد؛ تنوع غذا بسیار و بسیاری از غذاها برای فرماندار کل بنادر ناشناخته بود. درحالی که لیدی کرزن، همسر فرمانفرمای هندوستان، با لباس شب و گردن‌بند گرانهای جواهر همچون یک ملکه در ردیف بالای میز و لرد کرزن در سمت چپ او نشسته بود، سالار معظم در صندلی سمت راست لیدی کرزن نشست. وزیر مختار انگلیس و وزیر خارجه هند و یکی از بانوان دوست لیدی کرزن و دریادار ویلز، فرمانده نیروی دریایی انگلیس در هند و کمبل، سرکنسول انگلیس در بوشهر و تنی چند از افسران بلندپایه رزمناوهای انگلیسی هم با لباس شب و نشان و حمایل گرداگرد میز حضور داشتند. لرد کرزن نطق کوتاهی ایراد کرد که به وسیله دکتر عبدالرحیم خان، مترجم فارسی فرمانفرما (کارمند ارشد سابق کنسولگری انگلیس در بوشهر) ترجمه شد. کرزن از روابط دوستانه ایران و انگلیس و لزوم گسترش هرچه بیشتر بازرگانی خلیج فارس سخن گفت و از شاه ایران به مناسبت پذیرایی که از او می‌شود تشکر کرد؛ سپس جام خود را به سلامتی شاه ایران سر کشید.

سالار معظم حکمران کل بنادر ضمن سخنانی گفت: ایرانیان از آمدن چنین مهمان معظم افتخار بزرگی نصیبشان شده و افزود که این مسافرت باعث استواری بیشتر روابط دوستی و بازرگانی دو کشور خواهد شد.^۱

فرمانفرمای هند در بندر عباس و بندر لنگه به عذر آنکه پای او بر اثر لگد اسب آسیب دیده، برای بازدید فرماندار کل بنادر پیاده نشد و این یک نوع بهانه و تحقیر بود، زیرا فرمانفرمای هندوستان روز ۱۸ نوامبر همراه سلطان عمان از کشتی پیاده شد و به کنسولگری انگلیس در مسقط رفت و در ۲۴ نوامبر هم در جزیره قشم و هرمز پیاده شد^۲ و از دو دژ پرتغالی ها که چند قرن پیش در این جزیره ساخته بودند و مرکز بازرگانی آنان بود دیدن کرد و در ۲۶ نوامبر هم در بحرین از کشتی پیاده شد و همراه شیخ بحرین (شیخ عیسی) به اقامتگاه نماینده سیاسی انگلیس در بحرین رفت و به طوری که در صفحات دیگر خواهیم دید، در ۲۸ نوامبر در کویت از کشتی پیاده شد و همراه شیخ مبارک، امیر کویت، که به استقبال لرد کرزن به کشتی رفته بود، از شهر کویت دیدن کرد و در هیچ بندری، جز بنادر ایران، بهانه آسیب دیدن پا یا کمردرد مانع از پیاده شدنش نبود.

باری، بامداد روز ششم رمضان (۲۶ نوامبر ۱۹۰۳) وزیر مختار از سالار معظم بازدید کرد و سپس همراه لرد کرزن رهسپار بحرین شد. همان روز کشتی های فرمانفرمای هندوستان در ساحل بحرین لنگر انداخت و درحالی که ساحل بحرین آذین بندی شده بود، شیخ عیسی بن علی، شیخ بحرین (که دولت انگلیس و دولت هند او را «صاحب البحرین» می گفتند) با سه پسر و وزیر خود در کشتی مخصوص از فرمانفرمای هندوستان دیدار نمود و از دولت هند و دولت انگلیس به مناسبت حمایتی که از او دارند تشکر و اظهار وفاداری کرد و همراه لرد کرزن به

۱. خبرگزاری رویتر؛ نقل از گزارش ۱۰ رمضان ۱۳۲۱ ق سفارت ایران در لندن.

۲. «اداره تلگراف هند و اروپا» در جزیره قشم و هرمز شعبه داشت.

اقامتگاه نماینده سیاسی انگلیس در بحرین رفتند.^۱

فرمانفرمای هندوستان روز ۲۸ نوامبر (هشتم رمضان) به کویت رسید؛ شیخ مبارک ابن الصباح با پسر بزرگش در کشتی از لرد کرزن دیدن کرد. روز ۲۹ نوامبر لرد کرزن به شهر کویت رفت (شهری با بیست هزار نفر جمعیت).

شیخ مبارک با یک کالسکه مجلل تا ساحل به استقبال آمده بود. دویست نفر سواران مسلح عرب (نیمی اسب سوار و نیمی شترسوار) دنبال کالسکه او بودند. لرد کرزن همراه شیخ مبارک با کالسکه به سوی شهر روانه شد. از یک میلی شهر برای احترام در دوسوی راه نزدیک هزار نفر از مردان قبیله شیخ مبارک ابن الصباح ایستاده بودند. در داخل شهر کویت گروهی زن و مرد با فریاد شادمانی ورود فرمانفرمای هندوستان را تبریک گفتند.

لرد کرزن به خانه شیخ مبارک رفت. او شش پسر دیگر خود را (که همه خردسال بودند) در آنجا به نایب السلطنه و فرمانفرمای هندوستان معرفی کرد. فرمانفرما پس از نیم ساعت توقف و نوشیدن قهوه با کالسکه و اسکورت شیخ به کشتی بازگشت و عصر همان روز شیخ مبارک در کشتی از لرد کرزن بازدید نمود.^۲ بامداد روز بعد، لرد کرزن با کشتی و اسکورت خود ساحل کویت را ترک کرد.

درباره نتایج این خلیج گردی فرمانفرمای هندوستان، میرزان حسین خان اعتلاء الدوله، کارگزار اول ایران در ایالت عربستان (استان خوزستان)^۳ یک ماه

۱. گزارش ۲۶ نوامبر خبرگزاری رویتر؛ نقل از گزارش ۱۸۶۵ (دهم رمضان ۱۳۲۱) سفارت ایران در لندن.

۲. خبرگزاری رویتر (۲۹ نوامبر ۱۹۰۳)؛ نقل از گزارش ۱۴ رمضان ۱۳۲۱ ق سفارت ایران در لندن.

۳. استان خوزستان از پیش از دوران قاجاریه «عربستان» و گاهی «عربستان ایران» نامیده می شد. در دی ماه ۱۳۰۲ به دستور دولت موقت، به کار بردن کلمه «عربستان» موقوف شده و آن استان نام تاریخی و دیرینه خود «خوزستان» را بازیافت (بخشنامه ۱۷۴۷۵، ۱۲ دی ماه ۱۳۰۲ خ، وزارت امور خارجه) و در

بعد به وزارت امور خارجه چنین گزارش داد:

«به موجب اطلاعات حاصله، فرمانفرمای هندوستان در این عزیمت خودشان به سواحل عمان و خلیج با تمام طوایف اعراب آن نقاط و شیوخ آنها مراودات خود و مناسبات دولت متبوعه خود را مستحکم کرده و به هر صورت شک نیست که این مسافرتشان متضمن مقاصد مهمه بوده است. الامر الاشراف مطاع، فدوی، حسین.»^۱

پس از بحرین و کویت، برنامه فرمانفرمای هندوستان برای دیدار از بوشهر باید انجام می شد و درحالی که علاءالدوله در بوشهر آماده پذیرایی بود، عصر روز آدینه هفتم رمضان (۲۷ نوامبر ۱۹۰۳) نامه ای فوری از کنسولگری انگلیس در بوشهر دریافت داشت. در این نامه برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان به بوشهر بدین گونه اعلام شده بود:

«صبح دوم دسامبر فرمانفرما وارد بوشهر می شود. نیم ساعت به نیمروز مانده، جلو چهاربرج ساختمان محل فرماندار بوشهر پیاده شده، علاءالدوله ایشان را استقبال نموده و به همراه ایشان به کنسولگری انگلیس خواهند رفت و همان شب در چهاربرج شام صرف خواهند کرد و دو ساعت به نیمه شب مانده به کشتی باز خواهند گشت. عصر سوم دسامبر علاءالدوله و سالار معظم و سایر مأمورین عالی مقام ایرانی برای صرف شام به کشتی فرمانفرما خواهند رفت و فرمانفرما

→ ۱۳۰۴ نیز نام عربی شهرهای خوزستان چون «عبادان» و «محقره» و «خفاجیه» و «فلاحیه» و «بنی طرف» به «آبادان»، «خرمشهر»، «سوسنگرد»، «شادگان» و «دشت میشان» تبدیل یافت و نام بندرهای آن استان نیز به نامهای مناسب فارسی تغییر پذیرفت و «بندر ناصری» که در زمان «ناصرالدین شاه» در کنار کارون و نزدیک «اهواز قدیم» ساخته شده بود، «اهواز» نامیده شد.

۱. گزارش شماره ۱۱۸۸ - ۳۶۵ (۲۴ شوال ۱۳۲۱ ق) کارگزاری اول ایران در خوزستان. به فاصله چند ماه پس از مسافرت لرد کرزن در خلیج فارس، ویس کنسولگری انگلیس در خرمشهر به کنسولگری تبدیل شد و در اهواز نیز کنسولگری انگلیس گشایش یافت.



کارگذاری اول دولتی ایران در ایالت عربستان

و مضافات

اداره پانکریه

مورخه ۲۲ شهر اول مهر ۱۲۲۱

نمره عمومی ۱۱۸۸ خصوصی ۳۶۵

بجای این
بر حسب اینک
تقدیر فرموده شد
تصرفات مدینه بهر جهت
مهر و در دست
فرد حسن

بامداد چهارم دسامبر بوشهر را ترک خواهد گفت.^۱

چون این برنامه با برنامه تصویب شده قبلی مغایرت داشت، علاءالدوله به کنسولگری پاسخ داد: «برنامه‌ای که برای پذیرایی فرمانفرما با توافق وزارت امور خارجه و سفارت انگلیس تنظیم شده و دستور کار او می‌باشد تغییر پذیر نیست.»^۲ و در همین حال از وزارت امور خارجه در این مورد با تلگراف رمز کسب تکلیف کرد.

وزیر امور خارجه با شاه و عین‌الدوله گفتگو کرد و به علاءالدوله چنین پاسخ داد:

«تمام جزئیات برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان با موافقت سفارت انگلیس تنظیم شده و در نهم شعبان سفارت انگلیس پذیرش آن را از سوی فرمانفرما اعلام داشته و سپس آن برنامه به جناب عالی تلگراف شده است، بعد از آن هم چند روز پیش تلگراف کردید که از مسقط نوشته‌اند فرمانفرما به واسطه کمردرد نمی‌توانند به خانه مدحت‌الدوله بروند و خانه رسمی که در شهر نزدیک کنسولگری باشد قبول می‌کنند، جناب عالی هم عمارت چهاربرج را آماده کرده‌اید.

در این صورت برنامه‌ای را که با نظر سفارت انگلیس نوشته شده و به موجب نامه رسمی سفارت تأیید گردیده و به عرض و تصویب شاه هم رسیده، نمی‌توان تغییر داد. وزیر مختار انگلیس پیش از ورود فرمانفرما با جناب عالی ملاقات خواهد کرد، این مطالب را به او اظهار دارید و مراقبت کنید تغییری در برنامه داده نشود، نهم رمضان.»^۳

و در همان نهم رمضان مشیرالدوله در تلگرافی دیگر به علاءالدوله یادآور شد:

«از بابت سلام فرمانفرما اشتباهی دست داده است. در برنامه‌ای که تنظیم

۱. تلگراف هشتم رمضان علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن.

۲. همان مأخذ.

۳. پیش‌نویس تلگراف نهم رمضان ۱۳۲۱ ق، به خط وزیر امور خارجه.

شده، توپ سلام ۲۱ تیر نوشته شده و باید ۳۱ تیر شلیک شود، چون همیشه در مستعمرات فرانسه و پرتغال در آسیا به جهت سلام فرمانفرما ۳۱ تیر خالی می‌کنند شما هم باید ۳۱ تیر توپ خالی بکنید، از آن طرف هم برای جناب عالی ۳۱ تیر خواهند انداخت. در قسمتهای دیگر برنامه تغییر غیرممکن است.»^۱

روز دهم رمضان (۳۰ نوامبر ۱۹۰۳) این تلگراف از هاردینگ، وزیر مختار، به گراننتاداف، شارژدافر سفارت انگلیس، رسید:

«تکلیف اخیر دولت ایران را که گویا قصدشان این است که جناب فرمانفرما به منزل جناب علاءالدوله بروند که در آنجا جناب علاءالدوله از ایشان ملاقات کنند، نمی‌توان قبول کرد. معنی این کار این است که دید و بازدید در یک منزل به عمل آید. باید خواهش کنم که با سیم انگلیس به جناب علاءالدوله دستورالعمل داده شود که به اتفاق فرمانفرما به بالیوزگری بروند و در آنجا دیدن کنند، همچنان که در فرنگستان معمول است و اگر فرمانفرما باید پس از ورود به خشکی مستقیماً به منزل جناب علاءالدوله بروند، جناب علاءالدوله همان قسمی که سلطان مسقط معمول داشت، باید اول در جهاز فرمانفرما از فرمانفرما ملاقات کنند، ولی ملاقات در بالیوزگری اسهل و طبیعی‌تر است و وقتی من این تکلیف را کردم جناب مشیرالدوله قبول فرمودند، گمان نمی‌کنم که پس از حرکت من ترتیب پذیرایی به هم خورده باشد.»^۲

این تلگراف هاردینگ تغییر برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان به بوشهر را چنین مطرح می‌کند که علاءالدوله، فرمانفرمای فارس، برای استقبال لرد کرزن باید به داخل کشتی برود یا اینکه پس از پیاده شدن فرمانفرما همراه او به کنسولگری انگلیس برود و در آنجا ملاقات کنند. این تلگراف هاردینگ دلالت

۱. پیش‌نویس تلگراف نهم رمضان ۱۳۲۱ ق، به خط وزیر امور خارجه (تلگراف دوم).

۲. ترجمه تلگراف هاردینگ.



اختره نکره در دولت علیا

وزارت امور خارجه
دولت علیا

بوئر بطران

ممنوع	عدد کلمات	فایده اصلا مطلب	اطلاعات
۱۱	۲۳	دوره ساعت دقیقه	

خدمت حضرت صاحب کرام ارفع الله علیه باشر الدوله وزیر امور خارجه دست نوشته آن
که دست رس است به وزیر جمعه نفتم، نده است سر مرزای دولت لور کفیر نوشته است در عینا
درج می شود و هم دیسبر فرافنا و لور بوئر می نویسد بظهور نده جلد چهارم رجب
ساده شده علاء الدوله این لا استقبال نموده و در نسبت این بقول لورای
خواهند رفت نیست است از ظهور گذشته فنفا درج و رجب با زود علاء الدوله
خواهند رفت و همان ب در چهارم رجب شام صرف خواهند گو و در صورت
ب نده بیشتر رحمت خواهند نمود عصر سوم دیسبر علاء الدوله با در معظم و
صاحب نصاب ایران پرا صرف شام با فرافنا بیشتر خواهند رفت سحر چهارم دیسبر
فرافنا از بوئر روانه خواهند شد جوابی که داده شد نیست بموجب نظر

بنای سطر تلکرافخانه	گرفته شده	کینه مطلب
شماره	ساعت	دقیقه
۳۲	۳۲	۳۲



دوم تلگراف برهان اخبار تلگراف دولت هندوستان

مهره	عدد کلمات	نام و اصنام مطالب	اطلاعات
بسمه	۱۱	روز ساعت دقیقه	

وزارت امور خارجه بامر حضرت قمر بادیه اردافها قرار دادر که وزارت خارجه
بافت در طهران دله از تغییر در زنت و یک گشته از انرا فرود گذارن توان
نمونه لغز روی حال کت با بقیه بقیه لغز در حرب فرجه ادبیا
صلت علیه مکر در آن کجا ربرج تدبیر شد باقی شرایط با بقیه لغز و ابواب
دوره از ان تکلف تر تواند نمونه از ان تر مکرر کند مکرر با بقیه ربرج تمام علیه لغز
فاصله دهر که باید این سفت ببا کسد مکنند با و حجب مکرر در از فرجه لغز
وزیر بفرماید در قمر باقی لغز مکرر در دولت



بواسطه تلگرافخانه	گرفته شده	گیرنده مطلب
نام و نام خانوادگی	حققت در کجای تل	مهره

دارد که او یک ماه پیش، این تغییر برنامه را با مشیرالدوله در میان گذاشته و او هم موافقت کرده است.

همین طرح روز دهم رمضان هم به وسیله کنسولگری انگلیس در بوشهر به علاءالدوله داده شد. حسینقلی خان نواب، نماینده وزارت خارجه هم که در کارگزاری بوشهر اقامت داشت و با علاءالدوله در تماس بود، پذیرفتن این پیشنهاد را به او توصیه نمود، ولی علاءالدوله همان روز به وسیله تلگراف فوری از وزیر امور خارجه کسب تکلیف کرد. وزیر امور خارجه روز بعد ضمن یک تلگراف آن طرح را تأیید نمود و به علاءالدوله چنین پاسخ داد:

«خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی، آقای علاءالدوله دامت شوکته، تلگراف اخیر جناب عالی را زیارت کرده و از مطلب مطلع گردید، چون وقت تنگ است ممکن نشد که به عرض برسد، هرکدام از آن دوشق را که جناب مستطاب عالی صلاح می‌دانید و سهلتر است مجری دارید و به نظر بنده اگر بتوانید کارگزاری را حاضر نمایید که آنجا منزل نمایند بهتر است، تا جناب عالی چه صلاح دانند، شب یازدهم رمضان ۱۳۲۱»^۱

در روز دهم رمضان گراننداف، کاردار سفارت انگلیس، در ساعت سه پس از نیمروز با مشیرالدوله دیدار فوری داشت و درباره تلگراف وزیر مختار و تغییر برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان در بوشهر با او گفتگو کرد. می‌توان چنین پنداشت که پاسخ وزیر امور خارجه به علاءالدوله از تأثیر این دیدار برکنار نبوده است. پاسخ مشیرالدوله گفته هاردینگ، وزیر مختار، را تأیید می‌کند که وزیر امور خارجه یک ماه پیش این تغییر برنامه را پذیرفته است. اما این تلگراف وزیر امور خارجه چون با برنامه ای که مبادله شده و به علاءالدوله هم ابلاغ گردیده بود مغایرت داشت، علاءالدوله این دستور را پذیرفت و در تلگراف دیگری از وزیر

۱. پیش نویس تلگراف به خط وزیر امور خارجه.

[illegible]

امور خارجه خواست موضوع را به عرض شاه برساند و دستور شاه را در این باره به او اطلاع دهد.

مشیرالدوله ناچار تلگراف علاءالدوله را به نظر مظفرالدین شاه رسانید. شاه تغییر برنامه را نپذیرفت و پس از گفتگو با عین الدوله چنین دستور داد:

«وزیر، تلگراف علاءالدوله، به عرض رسید. عجب است یک ماه قبل با اطلاع سفارت انگلیس پروگرامی و قراردادی شده است و ما هم نظر به دوستی که با دولت انگلیس داشتیم تماماً را قبول و مثل نوکر محترم دولت، علاءالدوله، را مأمور فرمودیم و حالا این عنوانات نمی‌دانم برای چیست؟ آن قرارداد تغییر نمی‌کند، در صورتی که بخواهند در بوشهر پیاده شوند، باید مطابق همان پروگرام و قرارداد سابق باشد و الاً میل پیاده شدن را نداشته باشد، میل خودشان است. مقصود این است آن پروگرام نباید تغییر پیدا کند — امضا.»

مشیرالدوله روز دوازدهم رمضان ضمن یک تلگراف فوری دستور شاه را به علاءالدوله ابلاغ نموده و به او چنین پاسخ داد:

«تلگراف چهار ساعت به غروب مانده، جناب مستطاب عالی را زیارت کرده، به عرض اعلیٰ حضرت اقدس همایونی روحنا فداء رسانید، دستخط جهان مطاع همایونی بدین مضمون صادر شده است این است دستخط مطاع همایونی، در این صورت مطابق عین دستخط اگر فرمانفرما مایل نیست که به چهار برج بیاید، جناب مستطاب عالی هم از ایشان پذیرایی نخواهید کرد (۱۲ رمضان ۱۳۲۱)»^۱

همان روز پس از آنکه نایب کنسول انگلیس در بوشهر به وسیله علاءالدوله از دستور تهران آگاه شد و موضوع را به اطلاع هاردینگ رسانید، به دستور تلگرافی هاردینگ، کاردار سفارت (گرائنتادف) نامه فوری به وزیر امور خارجه نوشت و با

۱. پیش نویس تلگراف با خط وزیر امور خارجه.

بیان جدی چنین یادآور شد: «اینکه دولت علیه ایران قویاً رد کرده اند که اجازه داده شود احترام متعارفی، یعنی ملاقات نخستین با لرد کرزن انجام پذیرد، موضوع را به صورتی درمی آورد که پای شأن و احترام دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به میان می آید و این چیزی است که جناب اجل فرمانفرمای هندوستان نمی تواند از آن صرف نظر کند.»^۱ درحالی که این گفتگو ادامه داشت، باقداد دوازدهم رمضان ۱۳۲۱ ق (۳ دسامبر ۱۹۰۳ = ۹ آذر ۱۲۸۲ خ) کشتی ویژه لرد کرزن و رزمناوهای اسکورت او در دوردست آبهای بوشهر نمایان شدند و در این سوی جزیره خارک، نزدیک آبهای بوشهر لنگر انداختند. کمی عمق ساحل دریا اجازه نمی داد کشتی های بزرگ که بدنه آنها پانزده پا بیشتر باید زیر آب باشند، وارد بندرگاه شوند.

اختلاف برنامه ورود و پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان در بندرگاه بوشهر حل نشده بود. وزیر مختار انگلیس که همان روز وارد بوشهر شد، با علاءالدوله در گفتگو بود. علاءالدوله بر پایه برنامه اصلی که در بوشهر هم فرماندار کل بنادر باید در کشتی به استقبال فرمانفرمای هندوستان برود، سالار معظم را برای استقبال فرستاد.

او با کشتی پرس پلیس به پیشواز شتافت و همین که کشتی پرس پلیس به کشتی فرمانفرمای هندوستان نزدیک شد، سالار معظم آماده بود که اجازه ورود به «کشتی هاردینگ» (کشتی مخصوص فرمانفرمای هند) را به او بدهند، ولی لرد کرزن مترجم فارسی خود (دکتر عبدالرحیم خان) را نزد او فرستاد و از پذیرفتن او عذر خواست و چنین پیغام داد: «چون ترتیب ورود من به بوشهر هنوز با علاءالدوله تمام نشده، شما در کشتی خودتان بمانید تا از بوشهر و وزیر مختار خبر برسد.»^۲

علاءالدوله و هاردینگ چند ساعت گفتگو کردند، ولی هیچیک تسلیم نظریه

۱. نقل از پیش نویس نامه ۱۲۶۹-۱۰۵ (۱۵ رمضان) وزارت امور خارجه.

۲. گزارش بی تاریخ سالار معظم.

دیگری نشد و سرانجام علاءالدوله خواهش کرد، فرمانفرما تأمل کند تا بار دیگر او از تهران کسب تکلیف نماید و پاسخ تهران برسد و در ساعت چهار به غروب روز ۱۲ رمضان این تلگراف فوری را به وزیر امور خارجه مخابره کرده، کسب تکلیف نمود: «خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم مشیرالدوله، وزیر امور خارجه دامت شوکته، از صبح دوازدهم خود بنده حاضر پذیرایی ورود فرمانفرما بودم، وزیر مختار وارد شد، تا ساعت ورود او صحبتی نبود، او که آمد این عنوان را پیش آورد که میل فرمانفرما این است که در کنسولگری منزل کند، راست است این قرارداد را ما داده ایم، لیکن پشیمان شده ایم، هرگاه فرمانفرمای فارس در کنسولگری ابتدا دیدن از فرمانفرمای هند نکند، معلوم می شود دولت ایران خیال وهنی برای دولت انگلیس دارد و پیاده نمی شوم و می روم، سه ساعت مذاکره با وزیر مختار کردیم و آخر جواب همین بود، سالار هم به کشتی رفته برای دیدن، بزودی جواب مرحمت فرمایند که هشت ساعت بیش وقت نیست و بیش از این در کشتی نمی توان فرمانفرما را معطل گذاشت، بزحمت این مدت را قرار داده ایم که بماند تا جواب برسد، دو منزل با کمال خوبی مبله کرده، یکی در چهاربرج یکی در امیریۀ دریاییگی^۱، برای آنها حاضر کرده ام، باز این ایراد را می گیرند، تکلیف چیست [؟] خود وزیر مختار اعتراف کرد که قصوری از شما نشده و فوق العاده تشریفات حاضر کرده اند، لیکن ما پشیمانیم، ساعت چهار به غروب مانده روز ۱۲ رمضان است که این تلگراف را می کنم، منتظر جوابم فوری مرحمت شود. علاءالدوله»^۲

۱. علاءالدوله عمارت چهاربرج را که آماده کرده بود، محل سکونت خودش نیز بود و می خواست فرمانفرمای هندوستان به آنجا وارد شود. وقتی هاردینگ این کار را خلاف نزاکت سیاسی دانست، منزل دریاییگی را که ساختمان مجللی نبود و برای همراهان فرمانفرمای هند آماده کرده بود، برای ورود فرمانفرما اختصاص داد.

۲. تلگراف دوازدهم رمضان علاءالدوله.

همان روز کنسول انگلیس هم پیام فرمانفرمای هندوستان را به علاءالدوله رسانید. در این پیام گفته شده بود که باید دیدار از او به وسیله علاءالدوله در کنسولگری بوشهر انجام شود وگرنه پیاده نخواهد شد.

شب سیزدهم رمضان گراننداف، کاردار سفارت انگلیس، در نامه‌ای برای وزیر امور خارجه چنین نوشت:

«جناب مستطاب اجل عالی را تصدیع می‌دهد، نظر به عقیده‌ای که دولت ایران در باب پذیرایی جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان در بوشهر پیدا کرده‌اند، از جناب مستطاب اجل وزیر مختار به دوستدار دستورالعمل رسیده است که به جناب مستطاب اجل عالی اطلاع دهد که جناب فرمانفرما مجبور هستند که از خیال پیاده شدن در آن بندر صرف نظر بفرمایند و فردا عصری برای هندوستان حرکت خواهند کرد.

دوستدار باید اظهار نماید که جناب فرمانفرما به توسط بالیوز انگلیس برای فرمانفرمای فارس توضیح کرده‌اند، اینکه دولت ایران قویاً رد کرده‌اند که اجازه داده شود که احترام متعارفی یعنی اینکه ملاقات اولیه در بالیوزگری به عمل آید، مسئله را طوری می‌سازد که پای شأن دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به میان می‌آید و آن چیزی است که جناب معظم له نمی‌توانند از آن صرف نظر نمایند، زیاده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید، شب پنجشنبه ۱۳ رمضان ۱۳۲۱، گراننداف.»^۱

مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، چون خود در یازدهم رمضان در یک تلگراف موافقت با تغییر برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان در بوشهر را به علاءالدوله توصیه کرده و او نپذیرفته و بعد شاه نیز آن را رد کرده بود، دیگر نمی‌توانست خود درباره کسب تکلیف علاءالدوله پاسخ قطعی بدهد. او تلگراف فرمانفرمای فارس را به

۱. نامه شب سیزدهم رمضان سفارت انگلیس.



امروزه
برای اداره ملک و اوقاف و امور دولتی

مقدمه	عقد کلمات	نادر حاصل مطلق	اعلامات
		روز	دقیقه

خدمت محترم مطابقت بر آنکه ارفع شریف الدوله وزیر امور فایضه دولت که
از مجموع چهاردهم بنام بونوبه خیر نذیر و در جواب فرمایان بهم وزیر مختار و ارد
تا حالت در مورد محبت نبوده که آمدن بفرمان پیر کورده سهر فرمایان
در این که در قوتها گری منکر کند رتبه آن قرار کار را، دهم الم
لیکن باین تمام هرگاه فرمایان فرما رس در قوتها گری که رتبه او در
فرمانها کند معلوم شود که ای ایران خدای منزه که در حاکمیت و در دود
نفرتم و میردم که بفرمایان مذاکره با وزیر مختار و در این که بفرمایان
بواسطه ملک و اوقاف
شماره ۱۲ ششم رتبه کلمات ساعت و دقیقه
کتابخانه مطبوعه
۱۳۳۱



این بربر پادشاه تلگرافخانه علیا ایران

ممنوعه	عدد کلمات	نادر حاصل بطلت	اتلافات
		دور	دقیقه

بیشتر رقم بکسر دیدن ز فوی جوان جرت فرید که هست باغبان پیش و پس
 پیش از این در کشتی بنشیند و فرید را اسلحه که است زخمی پس بدست را
 قرار دهم امده نه تا جوان پس نه نعلی جان خود به بیگم که در چهار پنج
 یک در امیر میر دریا سیگله انداخته ام باز این اراده است که در تعلق
 خود در زوختار غیر فکرم که تصور از ما نه و فوق ایامه ترفیع
 غیر که که لیکن با اینا نمیشد چهار نوبت مانده بعد چهارم زخمی
 در این شهر فرستادیم و سوار امده فوری فرستادیم علاوه اوله



بجای تلگرافخانه
 شماره ۱۴ شهر رمضان ساعت ۵ دقیقه
 کپی مطهره
 ۱۳۲۱

اقصا دارا فقیر علیہ رحمۃ اللہ
 درویش علیہ رحمۃ اللہ
 ان درویش درویش
 درویش علیہ رحمۃ اللہ
 درویش علیہ رحمۃ اللہ

مجلسه اول

20

نظر عین الدوله رسانید. عین الدوله پس از مشورت با شاه در یک تلگراف کوتاه به علاء الدوله گفت: «برنامه همان است که قبلاً توافق شده، جناب فرمانفرمای هندوستان میل دارند پیاده شوند، میل ندارند پیاده نشوند.»^۱

در پاسخ گراتتداف هم گفته شد: «پاسخ به علاء الدوله داده شده و نمی‌توان با تغییر برنامه موافقت کرد.»

در روز سیزدهم رمضان (سوم دسامبر) آدمیرال ویلز، فرمانده نیروی دریای انگلیس در هندوستان، که همراه لرد کرزن در کشتی ویژه خود بود، در بندر بوشهر پیاده شد و همراه چرچیل، دبیر سفارت انگلیس، از علاء الدوله دیدن کرد. حسینقلی خان نواب، نماینده وزارت امور خارجه، نیز در این دیدار حضور داشت و مترجم علاء الدوله بود. پذیرایی از دریادار انگلیسی در عمارت امیریه با احترامات شایسته انجام شد. آدمیرال پس از نیم ساعت برخاست تا از وزیر مختار در کنسولگری انگلیس دیدن کند.

علاء الدوله به او گفت: «در کنسولخانه از شما بازدید خواهم کرد» ولی آدمیرال به او گفت: «منزل من در کشتی است». علاء الدوله وعده داد روز دیگر در کشتی به بازدید او برود ولی این بازدید هرگز انجام نگرفت.

گراتتداف، کاردار سفارت، به دستور تلگرافی وزیر مختار ساعت یازده شب چهاردهم رمضان برای دیدار عین الدوله رفت، ولی موفق به دیدار نشده و همان شب موضوع را تلگرافی به هاردینگ اطلاع داد.

علاء الدوله پس از دریافت پاسخ عین الدوله (که فرمانفرمای هندوستان میل دارند پیاده شوند، میل دارند پیاده نشوند)، بی‌درنگ به وزیر مختار که در کنسولگری بود پیغام داد که از تهران پاسخ رسیده است، وزیر مختار چرچیل، دبیر شرقی سفارت، را ساعت پنج بامداد نزد علاء الدوله فرستاد. علاء الدوله تلگراف

۱. نقل از پیغام هاردینگ به عین الدوله به نوشته عباسقلی خان نواب (نامه ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۱).



جناب متعبد امر عالی
توفیق که دولت ایران در باب نیرب جناب متعبد امر عالی
بنده دست نیافته اند از جناب متعبد امر عالی در قنداره دست دراز
بسیار است که جناب متعبد امر عالی وضع دهر که جناب در قنداره
که از خیال پادشاه در آن نه معرفت نظر نماند در روز عصر
عزت ذریه کرد چه سده و بیست و پنج ساله که جناب در قنداره
نما نماند سر قیام کرده که این قنداره که که و جاندار

عین الدوله را نشان داد و پاسخ تهران را به او باز گفت. او نزد وزیر مختار برگشت و پاسخ تهران را با او در میان نهاد. وزیر مختار موضوع را برای فرمانفرما نوشت و به وسیله نایب کنسولگری باشتاب برای او فرستاد.

فرمانفرما پس از دریافت نامه وزیر مختار، بی‌درنگ در یک نامه اعلام داشت که تا چند ساعت دیگر به سوی مکران و از آنجا به هندوستان خواهد رفت.^۱ وزیر مختار پس از دریافت نامه فرمانفرما به دیدار علاء الدوله شتافت و تصمیم فرمانفرما را به او بازگفت و گفت که خود او نیز به خرمشهر و سپس به بغداد خواهد رفت.^۲

لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان چون برنامه تشریفات ورود به محل پذیرایی در بوشهر را درخور شأن و مقام خود نمی‌دانست، پس از چهل و هشت ساعت که در کشتی ویژه، با حضور رزمناوهای بزرگ در آبهای نزدیک بوشهر به سر می‌برد، ساعت نه بامداد روز چهاردهم رمضان (چهارم دسامبر ۱۹۰۳) آبهای ساحلی بوشهر را به سوی مکران (برای دیدار با رئیس عشایر بلوچستان) و به مقصد هندوستان ترک گفت. رزمناوها نیز همراه او به سوی هندوستان رهسپار شدند.^۳ روز دیگر وزیر مختار انگلیس هم با کشتی مخصوص روانه خرمشهر گردید.^۴

۱. تلگراف رمز شب چهاردهم رمضان ۱۳۲۱ علاء الدوله.

۲. همان مأخذ.

۳. دنیس رایت، سفیر انگلیس در تهران (۱۹۶۳ تا ۱۹۷۱) نوشته است: «در سال ۱۹۰۳ که لرد کرزن با کشتی در خلیج فارس گردش می‌کرد، از پیاده شدن در بوشهر خودداری نمود، زیرا با هزینه گزاف برنامه استقبال، نماینده شاه ایران از اینکه بار اول به دیدن کرزن بروود خودداری کرد. (نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، ص ۵۱).

۴. هاردینگ، وزیر مختار انگلیس، عصر ۱۸ رمضان وارد خرمشهر شد و مورد استقبال شیخ خزعل، فرمانروای خرمشهر، و میرزا حسین خان اعتلاء الدوله، کارگزار خرمشهر، قرار گرفت و پس از یک روز اقامت با کشتی کارون (کشتی اختصاصی شیخ خزعل) به اهواز رفت و پس از یک شب به خرمشهر

رئیس تلگرافخانه بوشهر شب پانزدهم رمضان چنین گزارش داد:
 «روزنامه بوشهر^۱ — چهاردهم رمضان جناب فرمانفرمای هندوستان به بوشهر
 پیاده نشدند، امروز صبح چهاردهم به طرف هندوستان روانه شدند. جناب
 علاءالدوله هم این دو روزه با اردو از طریق فیروزآباد به طرف شیراز حرکت
 می نمایند. دیگر قابل عرض نیست، عبدالعلی قاجار. به تاریخ شب پانزدهم
 رمضان ۱۳۲۱.»

پس از رسیدن خبر بازگشت فرمانفرمای هندوستان از ساحل بوشهر،
 مشیرالدوله (وزیر امور خارجه) پیش نویس نامه ای مبنی بر گله از فرمانفرما و
 دولت انگلیس برای سفارت انگلیس تهیه کرد و برای ملاحظه شاه فرستاد.
 مظفرالدین شاه پس از مشورت با عین الدوله دستور داد موضوع را با تلگراف رمز به
 علاء السلطنه^۲، وزیر مختار ایران در لندن، اطلاع دهد و از او بخواهد که چگونگی
 را به اطلاع لرد لانزداون، وزیر امور خارجه انگلستان، برساند. متن دستور شاه:

«وزیر، حالا این طور به نظرمان رسیده، قبل از اینکه اظهار گله مندی از دولت
 انگلیس بشود، شما خوب است تلگراف رمزی به علاء السلطنه بکنید و این رفتار
 زشت فرمانفرما را اطلاع بدهد که او هم آنجا با لرد لانزداون مذاکره نماید. بهتر
 است، عقیده ما این است که در این تلگراف از روی صحبت و گفتگوهای که
 شده است و پروگرامی که با اطلاع وزیر مختار انگلیس اینجا نوشته شده و دوماه

→
 بازگشت و در روز ۲۵ رمضان روانه بصره شد و پس از سفر بغداد و حله و نجف روز هشتم ذی قعدة از
 طریق کرمانشاه به تهران بازگشت.

۱. پیش از برقراری ارتباط تلفنی میان تهران و شهرستانها، رؤسای تلگرافخانه هر شهرستان رویدادهای
 روزانه آن شهر را به عنوان «روزنامه» به وسیله تلگراف به وزیر تلگراف و دربار گزارش می دادند.
۲. میرزا محمد علی خان علاء السلطنه از ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۴ وزیر مختار ایران در لندن بود. در شوال ۱۳۲۴ ق
 به وزارت امور خارجه منصوب شد؛ در ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴ ق دوبار به نخست وزیری برگزیده شد و در رمضان
 ۱۳۳۶ ق (تیر ماه ۱۲۹۷ خ) درگذشت.



احکام و نیکوکارانه حکومت علیشاه ایران

روزنامه بوشهر چهارم رمضان
خواب فرمانفرما هندوستان به بوشهر پیاده نشدند از فرد صبح
چهارم بطرف هندوستان روانه شدند خواب محمده الدوله
این روز به باله از طریق فیروز آباد بطرف شیراز حرکت
منمانند دیگر قایم غرض نیست عبدالحق جبار

شماره ۱۵۰۰ شماره رمضان ۱۳۲۱

قبل از طرفین به قبول رسیده و مثل علاء الدوله نوکر محترم دولت و بلکه به واسطه «قجرآقایی» یک نوع اختصاص خاص به دولت دارد، برای پذیرایی ورود او به بوشهر مأمور فرمودیم، درواقع این اقدامات برای حفظ مقام دوستی دولتین بود. بالأخره این حرکت فرمانفرما شد، به طور شایسته به لرد لانزداون، علاء السلطنه اظهار دارد، حالا آنچه به نظر و فکر شما می رسد به عرض برسانید و اگر مصلحت است به همین طور تلگراف را رمزاً مخابره و نیز خاطر ما را هم مطلع بدارید. شهر رمضان، امضای مظفرالدین شاه.^۱

وزیر امور خارجه روز پانزدهم رمضان چگونگی تنظیم و تدارک برنامه پذیرایی فرمانفرمای هندوستان را در بوشهر ضمن تلگراف رمز به اطلاع علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن، رسانید و از او خواست موضوع را مشروحاً با وزیر امور خارجه انگلستان، لرد لانزداون، در میان گذارد و دلیل این رفتار فرمانفرمای هندوستان را بخواهد و در همان روز این نامه را هم به وسیله پست مخصوص برای او فرستاد:

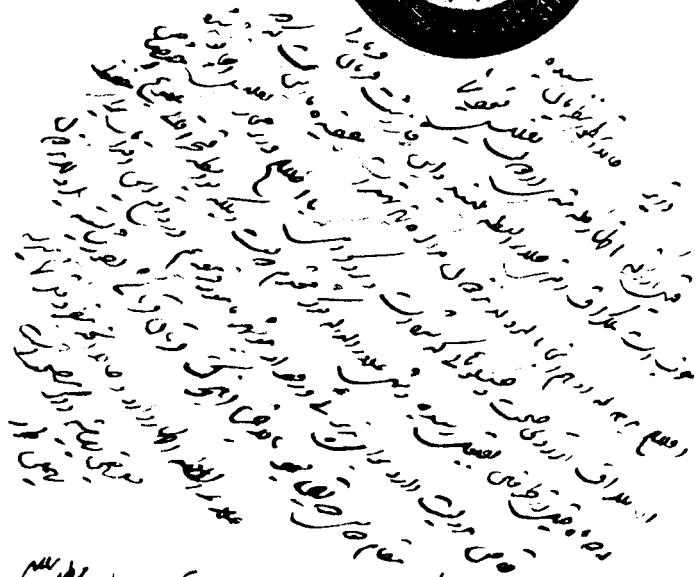
«پانزدهم شهر رمضان ۱۳۲۱ — از تفصیل آمدن جناب فرمانفرمای هندوستان به بندر بوشهر و پیاده نشدن و مراجعت ایشان به هندوستان تلگرافی اطلاع داده شد و مستحضر شده اید. در این موقع هم که پست حرکت می کند لازم است مجدداً شرحی زحمت داده و سواد دومراسله اخیر که با سفارت تعاطی شده است برای مزید اطلاع جناب عالی ارسال دارد و سواد کلیه نوشتجاتی که در این باب از ابتدا تا حال رد و بدل شده است با پست آینده خواهد فرستاد و عجلتاً از مفاد تلگراف رمز البته مطلب را مطلع شده و اقداماتی که لازم بوده است به عمل آورده، زودتر از نتیجه آن اطلاع خواهید داد که به عرض خاکپای مبارک برسد. عمده مطلب این است که تمام ترتیبات و پروگرام پذیرایی با اطلاع و استحضار سفارت انگلیس بوده و همه را پسندیده و از این اقدامات اولیای دولت علیه ممنون و خوشوقت بودند

۱. متن دستور شاه، با خط عین الدوله.

و بعد از ورود به بوشهر هم هر تغییری که به خیالات خود برای ترتیب جا و مکان دادند تمام قبول و مساعدت شد، با این حال نمی‌دانم به چه مقصود و ملاحظه این رفتار ناشایست را نمودند، بدیهی است که با جناب مستطاب لرد لانزداون وزیر امور خارجه جداً مذاکره کرده، نتیجه اقدامات را با تلگراف و پست اطلاع بدهید که خاطر مقدس ملوکانه ارواحنا فداه منتظر نتیجه حسنه اقدامات مؤثر جناب عالی می‌باشد، نصرالله مشیرالدوله.^۱

چون این رویداد ممکن بود در روزنامه‌ها و محافل سیاسی اروپا، بویژه در انگلستان بازتاب داشته باشد، برای آنکه نمایندگان سیاسی ایران در خارج بتوانند پاسخگوی بازتابهای احتمالی باشند، وزیر امور خارجه خلاصه تمام چگونگی و جریان مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به بنادر ایران، بخصوص بندر بوشهر، و برنامه‌های مسافرت و پذیرایی که با نظر و موافقت سفارت انگلیس تنظیم شده و تغییراتی که از حیث محل پذیرایی در بوشهر نیز با پیشنهاد و نظر سفارت انجام شده بود، ضمن یک بخشنامه در تاریخ ۱۶ رمضان و سپس طی یک تلگراف رمز در ۲۲ رمضان به تمام نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج اطلاع داد و یادآور شد که لرد کرزن هیچ مأموریت رسمی در ایران نداشت و مسافرت او به بنادر غیررسمی بود. با این حال از سوی شاه، علاءالدوله (فرمانفرمای فارس) مأمورپذیرایی او در بوشهر شده و ده روز پیش از ورود او به بوشهر رفت و همه‌گونه امکانات پذیرایی با تشریفات و هزینه بسیار فراهم آورد. یک هفته پیش از ورود فرمانفرما به بوشهر به تقاضای سفارت انگلیس محل دیگری برای پذیرایی فرمانفرما در نزدیکی ساحل آماده گردید، ولی روزی که کشتی فرمانفرما وارد آبهای بوشهر شد، تلگراف رسید که فرمانفرما در کشتی معطل است و می‌گوید علاءالدوله باید به کشتی آمده، مرا به ساحل ببرد، همچنان که امام مسقط همین کار را کرد و نیز

۱. پیش‌نویس نامه ۱۲۷۵ (۱۵ رمضان ۱۳۲۱ ق) وزیر امور خارجه.



کتاب در درجہ عالی و درجہ عالی



می‌گوید به منزلی که دولت ایران برای ورود من آماده نموده وارد نمی‌شوم و به کنسولگری خواهم رفت و علاءالدوله باید همراه من به کنسولگری بیاید.

این پیشنهادها چون خلاف برنامه‌ای بود که قبلاً با توافق سفارت انگلیس تنظیم گردیده و فرمانفرما هم با آن موافقت کرده بود، مورد قبول شاه واقع نشد و فرمانفرما بی‌آنکه در بوشهر پیاده شود، معترضاً به هندوستان بازگشت.^۱

در شانزدهم رمضان ۱۳۲۱ ق (۶ دسامبر ۱۹۰۳) هاردینگ، وزیر مختار انگلیس، شرحی طولانی و اعتراض‌آمیز دربارهٔ رویداد بوشهر به صورت یک نامهٔ دوستانه از بوشهر برای وزیر امور خارجهٔ ایران نوشت. این نامه اجمالی از آنچه را دربارهٔ برنامهٔ مسافرت فرمانفرمای هندوستان در میان سفارت انگلیس و وزارت امور خارجه ایران گذشته بود، دربر داشت و از لحاظ اهمیت مطالب نامه، عیناً نقل می‌شود.

«دوستانه — فدایت شوم، دوستدار عجالتاً نمی‌خواهد که به هیچ نحو مناقشه‌آمیزی در باب اتفاقات نامسعودی که مانع آمدن فرمانفرمای هندوستان به بوشهر گشته مذاکره نماید، ولی مناسب می‌داند که جناب مستطاب اجل عالی بخوبی عقیدهٔ ما را در این مسئله ملتفت باشند.

اول وهله که دوستدار در باب پذیرایی فرمانفرما با جناب مستطاب اجل عالی مذاکره نمود، چنین قرار شد، جناب علاءالدوله که میزبان بودند برحسب عادات جاریهٔ دیپلماسی در کنسولگری بندر عباس یا بالیوزگری بوشهر هرکدام باشد از فرمانفرما که مهمان بودند دیدن کنند و بنابراین در وقتی که تلگراف فخامت همراه مستر گرانث داف در کاشان رسید (ترجمه از تلگراف مزبور در جوف است) اسباب تعجب دوستدار گردید، در این تلگراف اظهار شده بود، در صورتی که فرمانفرما در منزل رسمی که از طرف دولت ایران تکلیف شده است منزل ننمایند،

۱. بخشنامهٔ ۱۶ رمضان و پیش‌نویس تلگراف رمز ۲۲ رمضان ۱۳۲۱ ق وزارت امور خارجه.

جناب مستطاب اجل عالی منتظر خواهند بود که جناب معظم له اول از جناب علاءالدوله ملاقات کنند، برحسب تصویب تلگرافی دوستدار جناب مستطاب اجل فرمانفرما تکلیف منزل را قبول و این مسئله به این طور حل گردید، ولی دوستدار از اصفهان مراسله ای به جناب عالی نگاشته اظهار تعجب نمود که جناب اجل عالی به مستر گراننداف اظهار فرموده بودند که در خاک ایران جناب فرمانفرما بایستی در هر صورت اول از جناب علاءالدوله دیدن نمایند، و خاطر عالی را متذکر ساخته بودم که حال و وضع عمارتی که در آنجا فرمانفرمای معظم له از نماینده اعلی حضرت پادشاه ایران پذیرایی می نمایند نمی تواند خللی به مسئله وارد آورد و رسم متداوله فیما بین ملل همچنان که در میان دو شخص هم شأن معمول است، میزبان اول از مهمان دیدن می کند، خواه آن منزل از میزبان باشد خواه از میهمان و از برای این مسئله مثل آوردم که رئیس جمهوری فرانسه اول از اعلی حضرت پادشاه انگلیس ولینعمت تاجدارم ملاقات نمودند و این ملاقات در قصری از دولت فرانسه نبود، بلکه در سفارت کبرای انگلیس در پاریس واقع شد.

در بوشهر تلگرافی از جناب اجل به دوستدار رسید، موادی از تلگراف مزبور را لفافاً ارسال داشت، از این تلگراف مسلماً همچو مفهوم می شد که جناب مستطاب اجل با دوستدار هم عقیده شده اند و اظهاری که مستر گراننداف در تلگراف سابق الذکر خود نموده اند نتیجه یک اشتباهی بوده است، بنابراین دوستدار محق بود تصور نماید که وقتی برای فرمانفرما غیرممکن بود که محل رسمی تکلیف شده از طرف دولت ایران را به واسطه یک فرسنگ و نیم مسافت آن از بندرگاه قبول نمایند، جناب مستطاب اجل راضی شده اید که به ترتیبی که اول فیما بین داده شده بود، مراجعه فرمایند و جناب علاءالدوله در بالیوزگری از فرمانفرما دیدن کنند، دوستدار و جناب مستطاب اجل فرمانفرما هیچ کدام اهمیت مخصوص نمی دادیم به اینکه بهتر این است این ملاقات در بالیوزگری به عمل آید یا در خانه

ایران ولی برای جناب معظم له بالیوزگری راحت تر بود، چرا که پس از دید و بازدید رسمی بالیوزگری ناهاری به جناب فرمانفرما و انگلیسها می دادند. خلاصه در کویت در وقتی که تکلیف آخری جناب اجل عالی را که فرموده بودند جناب علاءالدوله در «چهاربرج» دیدن نمایند، به جناب فرمانفرما اظهار داشتیم جناب معظم له تأملی در این ترتیب فرموده، اظهار داشتند: «جناب علاءالدوله فرمانفرما مرا به خانه دولتی ایران ببرند و در یک اطاقی از من دیدن کنند و در آن وقت خانه منزل من شمرده شود، بعد من در اطاق دیگر از ایشان بازدید کنم و منزل آن وقت از ایشان محسوب گردد، شب در آنجا باز با ایشان شام صرف کنم و باز خانه از ایشان شمرده شود و نه منزل رسمی من، این ترتیب به نظر من قدری بهتر از کار بیهوده است و با این وضع بهتر است بخواهم که به همان ترتیب اولیه که طبیعی است مراجعه شود و جناب معزی الیه را در بالیوزگری بپذیرم.»

نظر به تلگراف مورخه بیست و پنجم شعبان جناب مستطاب اجل عالی دوستدار تقریباً یقین داشت که خواهش به جای فرمانفرما مقبول خواهد افتاد و وقتی که وارد بوشهر شدم تعجب کردم که این خواهش را رد کرده اند و اول دیدن کردن از فرمانفرما را بکلی انکار نموده اند، مگر اینکه دیدن در منزل رسمی به عمل آید. وقتی که دولت ایران خواستند این فقره را مسئله اصلی قرار دهند، برای فرمانفرما غیرممکن بود که قبول اصلاحی بنمایند. هرگاه جناب مستطاب اجل عالی جواب داده بودند، قبول دارند که ملاقات در بالیوزگری به عمل آید ولی امیریه را (که علاءالدوله در آخرین وقت اشعار داشتند و اگر از اول تکلیف و معجلاً آنجا را حاضر کرده بودند قبول می شد) ترجیح می دهند، یقین دارم می توانستم فرمانفرما را متقاعد سازم که راضی شوند.

درحقیقت جناب معظم له را متقاعد ساخته بودم که در صورتی که جناب علاءالدوله به وسیله ملاقات در بالیوزگری حقوق ایشان را منظور و در آنجا ایشان را برحسب عادات جاریه دیپلماسی بپذیرند، ایشان هم از ملاقات کنندگان خود

در چهاربرج یا امیریه به اسم منزل رسمی خود در روز پذیرایی نمایند ولی فرمانفرما بدون اینکه مخالف شأن اعلی حضرت پادشاه انگلستان و امپراتور هندوستان رفتار شده باشد، این فقره را نمی توانستند قبول نمایند که منزل رسمی نماینده پادشاه انگلستان در بوشهر قابل این نیست که نماینده اعلی حضرت پادشاه ایران در آنجا اول دیدن نمایند و یا اینکه خود جناب معظم له به سمت فرمانفرمایی از طرف اعلی حضرت پادشاه انگلستان حق این ادعا را ندارند که همان پذیرایی که در حق سفرای کبار و وزرای مختار نه فقط در ایران بلکه در تمام ممالک متمدنه معمول است و در سال گذشته در رشت از طرف دولت ایران در حق وزیر مختار حالیه روس مقیم تهران به عمل آمده در حق خود بخواهند.

همین قدر که این فقره را مسئله اصلی قرار دادند و شرط جدیدی که تا به حال معمول عادات جاریه فیما بین ملل نبوده است، رسماً با احتراماتی که برای مسافرین محترم معمول است، درباره فرمانفرما الحاق کردند، جناب معظم له دیدند کاری که می توانند برحسب شئون خود و دولتی که نماینده آن بودند بنمایند، این است که از آمدن در آن محل که از اول دولت علیه ایران محض ثبوت دوستی فیما بین مملکتین حاضر پذیرایی شده و از قرار معلوم مایل به آن نبودند صرف نظر بفرمایند.

عجالتاً دو فقره است که باید خاطر جناب مستطاب اجل عالی را ملتفت به آن سازد، یکی از آن دو فقره این است که باید از رفتار دوستی آمیز و احتراماتی که در تمام این واقعه نامسعود از طرف جناب علاء الدوله به عمل آمده، اظهار قدردانی نمایم.

برای جناب فرمانفرما کاملاً توضیح کرده ام که آنچه به چشم خود دیده ام، جناب علاء الدوله از هیچ زحمت و مخارجی مضایقه نکرده که حتی المقدور پذیرایی باشکوهی که موافق روابط و داد و یک جهتی فیما بین دو پادشاه و مملکتین است به عمل آید و فقط محض احکام مؤکده از طرف جناب مستطاب

اجل عالی بوده که نتوانسته‌اند به‌طوری از ایشان احترام نمایند که در سایر ممالکی که به سمت فرمانفرمایی تشریف برده‌اند معمول گردیده است. فقره دیگر در باب تلگراف شخص فخامت همراه گراننداف به دوستدار است به این مضمون که اگر فرمانفرما ترتیباتی را که دولت ایران داده‌اند قبول نمایند، اعلی حضرت اقدس شهرباری خیال خواهند کرد که برحسب نصیحت دوستدار بوده است.

در این ماده دوستدار فقط باید اظهار نماید فرمانفرما که سابقاً یکی از اجزای دولت انگلیس بوده‌اند، از قانون بین ملل و عادات جاریه به‌طوری مستحضر نیستند که برای دوستدار یا کس دیگر مقدور باشد که عزم ایشان را در مسائلی که خلل به شأن اعلی حضرت پادشاه انگلستان وارد آورد تغییر دهد و بعلاوه باور نمی‌کنم که اعلی حضرت اقدس شهرباری که کارهای دوستدار را در ایران مشاهده فرموده‌اند و می‌دانند که تقریباً سه سال است با وجود اشکالات زیاد سیاسی و شخصی کوشش نموده‌ام که روابط دوستی فیما بین مملکتین ترقی یابد، بتوانند تصور فرمایند که دوستدار غفلتاً این ترتیب را تغییر دهم و اسباب اشکالی شوم که مورث مجادله فیما بین گردد، هیچ کس به اندازه دوستدار از این حادثه اسف آمیز که حادث شده نمی‌تواند متأسف باشد ولی منع آن از حیث قدرت دوستدار بیرون بود، همین قدر که دولت ایران آن وضع را پیش آوردند، ممکن نبود که مسئله طور دیگر شود، زیاده تصدیع نمی‌افزاید، فی ۱۶ شهر رمضان ۱۳۲۱ مطابق ششم دسامبر ۱۹۰۳»^۱

وزیر مختار ایران در لندن، در هفدهم رمضان، در یک تلگراف رمز وصول تلگراف رمز وزیر امور خارجه درباره رویداد بوشهر را اطلاع داد و یادآور شد: «وزیر امور خارجه انگلستان در لندن نیست، به محض اینکه وارد شود موضوع را با

۱. متن نامه سه برگگی هاردینگ وزیر مختار انگلیس.

او در میان می‌گذارد»^۱ سپس روز دیگر چنین تلگراف کرد:

«حضرت مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه — محض اینکه مدلول تلگراف مبارک زودتر به وزیر امور خارجه برسد، یادداشتی نوشته به توسط نایب اول وزارت امور خارجه ارسال داشت، به طوری که از بیانات نایب اول استنباط نمودم، فرمانفرما هم در راپرت خود اظهار نارضامندی نموده، وزیر مختار هم تصدیق کرده و نایب اول اظهار تأسف از وقوع این قضیه می‌نمود، باید منتظر وزیر امور خارجه شد که از ایشان چه بروز می‌کند، نایب اول نیز می‌گفت از طرف وزارت امور خارجه دولت ایران نامه‌ای به گراننداف^۲ در باب مطلبی رسیده که اگر من شارژدافر بودم به جای او، پس می‌فرستادم. از این واقعه فرمانفرما در روزنامه تایمز و غیره هنوز ذکر نشده، فقط در دیلی میل که اخبارش در انتظار اعتباری ندارد، مختصراً ذکر شده بود.»^۳

شب ۲۰ رمضان وزیر امور خارجه در یک تلگراف رمز به علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن چنین پاسخ داد:

«تلگراف جناب عالی رسید. نوشته بودید: وزیر امور خارجه در لندن نیست بعد از آنکه آمد این فقرات را به او اطلاع خواهید کرد، این فقره به درجه‌ای اهمیت دارد که حالا که خود وزیر امور خارجه حضور ندارند، هم باید به اورسماً بنویسد و هم به معاون وزیر امور خارجه اظهار نمایند و دنباله آن را از دست ندهید تا خودش هم وارد شده، اقدامات مجذانه نمایید. چند روز قبل سفارت انگلیس شکایت کرد که فرمانفرمای خراسان در شب عید مولود پادشاه انگلیس که در کنسولگری مشهد مهمان بوده، بعد از صرف شام زود رفته است و این بی‌اعتنایی به مراسم عید بوده، ترضیه خواست و برای این کار جزئی اقلأ ده دفعه اظهار کرده

۱. تلگراف رمز علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن — ۱۷ رمضان ۱۳۲۱ ق.

۲. کاردار سفارت انگلیس در تهران.

۳. تلگراف رمز علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن (۱۸ رمضان ۱۳۲۱ ق.).

[illegible]

[illegible][illegible]

14

اسمہ اج گوارف زہرا

حضرت سید ابی اکرم رفیع شیرانی رحمہ اللہ
زیر دستہ وزیر امور دارالخلافہ
بہ حجرات مستندہ وارد شدہ نہایت غلطی
محمد علی احمد علی

تنگراف وزیر مختار ایران در لندن ۱۷ رمضان ۱۳۲۱ حاکی از آنکه وزیر امور خارجه انگلیس در لندن حضور ندارد.

آسوده نشستند، جناب عالی در همچو مطلب بی اهمیتی ملاحظه نمایید، ذات اقدس ملوکانه می فرمایند که وجود سفرای دولت در دربار دول برای انجام و تسویه این قبیل امور است، البته سهل نگیرید و ترضیه این کار را که موافق شأن دولت باشد باید مطالبه بنمایید و نتیجه اقدامات را تلگراف نمایید که به عرض خاکپای مبارک برسد.^۱

روز ۲۱ رمضان علاء السلطنه نتیجه دیدار خود را با لرد لانزداون، وزیر امور خارجه انگلستان، در یک تلگراف رمز چنین گزارش داد.

«دیروز با وزیر امور خارجه ملاقات شد و به طوری که لازم بود در باب فرمانفرما و وزیر مختار مذاکرات به عمل آمد، چون به جواب ایشان فدوی نخواست قناعت نماید، بعد از مراجعت فدوی کاغذی از نایب اول وزارت امور خارجه رسید که به شرح ذیل است:

راجع به تلگرافی که روز دوشنبه به من دادید و مذاکره ای که امروز با لرد لانزداون نمودید، لرد لانزداون می خواهد به شما بگوید که شرحی که جناب مشیرالدوله در باب گزارشهای راجع به رفتن لرد کرزن به بوشهر داده اند در خیلی جهات مهم با تفصیلی که به دولت اعلی حضرت پادشاهی رسیده، فرق دارد و تا راپرت تمام وقوعات نرسد غیرممکن است حکم در حقانیت این مسئله داد، ولی به نظر لرد لانزداون می آید که بگوید با احساسات مودت آمیز لرد کرزن نسبت به ایران، شکی ندارند که قراری که برای پذیرایی فرمانفرما تکلیف شده بود طوری نبود که بتواند قبول نماید.

وزیر امور خارجه در طی مذاکره نخواست از دایره بیانات مندرج در نامه خارج شود، بعد که با نایب اول ملاقات نمود، چون فدوی را مصرّ در ذکر بعضی ایرادات به فرمانفرما دید، گفت: محرمانه می گویم، وزیر امور خارجه پیش از آنکه

۱. پیش نویس تلگراف رمز شب ۲۰ رمضان ۱۳۲۱ ق وزیر امور خارجه ایران.

راپرت مفصل از فرمانفرما برسد، نمی‌خواهد داخل مذاکره شود، در مختصر خبر تلگرافی فرمانفرما گفته است: در ساعت آخر پروگرامی که با سفارت قرار شده بود طوری مغشوش گردید که با وجود دو روز اقامت نمی‌توانست پیاده شود.^۱

روز ۲۷ رمضان سرکنسول ایران در هندوستان دربارهٔ بازتاب رویداد بوشهر در هندوستان چنین نوشت: تلگراف بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم امجد خدایگانی (در باب مسافرت فرمانفرمای هند به خلیج فارس و تفصیل پروگرام پذیرایی ایشان در بنادر ایران و اینکه در بندر بوشهر اظهار داشته بود که اگر جناب علاءالدوله فرمانفرمای فارس تا کشتی نیاید و ایشان را به جنرال قنصلگری انگلیس نبرند پیاده نخواهد شد و دولت علیه هم در خارج پروگرامی که با سفارت انگلیس ترتیب داده بودند نمی‌توانست رفتار نمایند، لهذا اظهار او را قبول نکرده، او هم در بوشهر پیاده نشده و به هندوستان مراجعت نمود و غیره) به این چاکر سه روز قبل رسید. در تلگرافاتی که از خلیج فارس به روزنامه‌جات می‌رسید، پیاده نشدن فرمانفرما را در بوشهر خبر داده بودند ولی پوشیده بود و علت را آشکار نکرده بودند، مگر چند روز قبل تلگرافی از فرنگستان به روزنامه‌جات رسید و علت را بالصرّاحه خبر داده بود ولی باز روزنامه‌جات اینجا تفصیل آن را انتشار نداده‌اند.

از چاکر هرکس در مجالس اینجا تحقیق می‌کند اظهار بی‌اطلاعی کرده و خواسته است از قول چاکر این تفصیل را انتشار بدهند که اسباب کدورت فرمانفرما از چاکر فراهم نیاید، اخبارنویسها را این دفعه فرمانفرما در مسافرت خود به خلیج فارس اجازه نداده بود که به خلیج فارس بروند، لهذا جمیع تلگرافاتی که از بندرات می‌رسید، همه را از طرف خودشان و آنچه صلاح دولت انگلیس بود خبر می‌داد و روزنامه‌جات هم درج می‌کردند، فردا که فرمانفرما وارد می‌شوند در ملاقات اگر خودشان صحبتی کردند، چاکر تأسف اولیای دولت علیه را که

۱. تلگراف رمز ۲۱ رمضان ۱۳۲۱ ق وزیر مختار ایران در لندن.

نتوانسته‌اند از پروگرام تخلف نمایند، اظهار خواهند نمود ولی یقین است که از این واقعه باید مک‌در باشد زیرا که در دوایر رسمیۀ لندن و فرنگستان این مسئله را به لرد کرزن نقص عمده خواهند شمرد.

مقصود اصلی از این مسافرت فرمانفرما این بود که اولاً اقتدار دولت خود را به رؤسای خلیج نشان بدهد و نفوذ خودشان را در تمام خلیج فارس به رقبای خود بنماید، پس یقین است که پیاده نشدن ایشان در بوشهر عدم صحت این ادعایی را که می‌کردند بیان خواهد کرد، درثانی هرچه اطلاعات تحصیل کرد برای استحضر خاطر مبارک جسارت به راپرت آن خواهد کرد.^۱

در بیست و هفتم رمضان دربارهٔ رویداد بوشهر، این نامه از سوی وزارت امور خارجه به سفارت انگلستان نوشته شد:

«جناب مجدت و فخامت همراه نجدت و نبالت پناه دوستان اظهار مشفق مهرباناً، با وجود رعایت مقتضیات و داد و یک‌جهتی از طرف دولت متبوعهٔ دوستدار و انتظار معاملهٔ مصافات و مروت از جانب دولت متبوعهٔ آن جناب، همین که برخلاف این انتظار رفتاری از آن طرف بشود البته جا دارد که موجب کمال تأسف و تعجب اولیای این دولت علیه شده و مستمسک نکته‌گیری برای خود و بیگانه باشد، بعلاوه که این چنین معاملهٔ غیرمنتظره از مثل جنب مستطاب اجل لرد کرزن شخصی اتفاق بیفتد که هیچ کس نتواند بشنود، بدون آنکه خود را از حیرتزدگی حفظ نماید.

سفارت محترمهٔ انگلیس در تهران بهترین شاهد است که اولیای دولت ایران در این مورد مسافرت جناب لرد کرزن به بنادر این دولت چه اقداماتی محض بروز عوالم دوستی و اتحاد بین‌الدولتین به عمل آورده با وجودی که آن مسافرت غیررسمی بود، از شرایط مصافات و مهربانی نخواستند به هیچ وجه خودداری

نمایند، با اطلاع آن سفارت پروگرامی برای این پذیرایی جناب فرمانفرمای هندوستان مقرر شد که بعد از مخابره تلگرافی آن جناب با خود ایشان اصول آن را رسماً به وزارت خارجه نوشتید و اصل عبارت تلگراف ایشان را در آن مندرج داشتید، دولت ایران هم مثل جناب مستطاب علاءالدوله فرمانفرمای فارس شخصی را با وجود مقام محترمشان فقط محض نمایش مراتب موّدت کامله خود با دولت انگلیس در صورتی که هیچ کس انتظار نداشت از شیراز به بوشهر فرستاد و از قرار همان پروگرام رفتار شد و چه اقداماتی به عمل آمده که همه مقتضی رعایت شئون آن دولت دوست بود و همه را مأمورین خودتان بخوبی مستحضرند، با وجود این با کمال تأسف باید اظهار نمایم که در مقابل از آن طرف برخلاف نوشته رسمی و پروگرام مقرر رفتار شده و این حسن معامله دولت ایران و پذیرایی دوستانه محترمانه را به طوری که در نظر هر منصف بی غرض محل تأمل و نظر است پاداش دادند که نمی‌داند با اظهارات دوستی دولت متبوعه آن جناب چه محملی به این رفتار خالی از موّدت و دور از انتظاری که از اولیای آن دولت می‌شود قرار داد، و چون دولت علیه ایران این معامله جناب لرد کرزن را متأسفانه خیلی موهن می‌شمارد، خود را ذیحق می‌داند که از دولت متبوعه آن جناب دلیل این رفتار را استفسار نماید و یقین است که آن جناب برحسب تکلیف مقرر مراتب را به دولت متبوعه خود تلگراف یا اشعار خواهید نمود، در این موقع احترامات فائقه را غنیمت شمرده تجدید می‌نماید.»^۱

وزیر امور خارجه رونوشت نامه بالا را برای اطلاع علاء السلطنه، وزیر مختار ایران در لندن، فرستاد و روز ۲۹ رمضان در یک تلگراف رمز بار دیگر چگونگی تنظیم برنامه پذیرایی از فرمانفرمای هندوستان را در بوشهر و تغییرات برنامه و سرانجام آخرین پیشنهاد لرد کرزن و پیاده نشدن او را شرح داد و هاردینگ، وزیر

۱. پیش نویس نامه ۲۷ رمضان وزارت امور خارجه.

مختار انگلیس، را مسئول بروز این اختلاف دانست و از وزیر مختار ایران خواست که بار دیگر با لرد لانداون، وزیر امور خارجه انگلستان، دیدار و گفتگو کند و هر پاسخی شنید به وزارت خارجه ایران اطلاع دهد.^۱

وزیر امور خارجه پیش نویس تلگراف رمز را قبلاً برای ملاحظه مظفالدین شاه فرستاد؛ مظفالدین شاه آن را تأیید کرد و در یادداشتی با خط خود نوشت: «وزیر امور خارجه، خیلی خوب نوشته بودید؛ ملاحظه شد؛ آفرین بر شما؛ بدهید بنویسند رمز کنند.»

درحالی که روزنامه‌های اروپا همچنان درباره پیاده نشدن فرمانفرمای هندوستان در بوشهر، با برداشتهای متفاوت مقاله می‌نوشتند، روزنامه‌های پترزبورگ، پایتخت روسیه تزاری، بیش از روزنامه‌های اروپا این رویداد را اهمیت می‌دادند و درباره آن قلم می‌زدند.

سفارت روسیه در تهران به دستور کنت لامزدورف، وزیر امور خارجه آن کشور، چگونگی این رویداد را از وزارت امور خارجه ایران سؤال کرد. وزیر مختار روسیه نیز حضوراً با عین الدوله، وزیر اعظم، در این باره گفتگو کرد و او نیز در این باره با مظفالدین شاه سخن گفت و سرانجام به دستور شاه، وزیر امور خارجه، میرزا حسین خان^۲، فرزند دوم خود (رئیس دفتر وزارت امور خارجه) را محرمانه به دیدار وزیر مختار روس فرستاد و تفصیل برنامه پذیرایی و پیاده نشدن فرمانفرمای هندوستان را در بوشهر برای او شرح داد و او را از آنچه گذشته بود آگاه کرد و خود نیز در دیدار با وزیر مختار روس همان توضیحات را با تفصیل بیشتر بازگو نمود و گفت: «فرمانفرمای هندوستان می‌خواست علاءالدوله برای دیدن او به کشتی و از کشتی همراه او به کنسولگری انگلیس برود و چون فرمانفرما مأموریت رسمی

۱. پیش نویس نامه ۲۹ رمضان وزارت امور خارجه.

۲. حسین پیرنیا = مؤتمن الملک؛ در دوره‌های ۴ و ۵ و ۶ رئیس مجلس شورای ملی بود و در شهریور ۱۳۲۶ درگذشت.



وزارت امور خارجه
دارد
در ۱۳۱۱
۲۷
مهره

بنام خداوندی که در هر روز از او دعا می‌کنیم

[illegible]

۱۰۰

پیش نویس نامه وزارت امور خارجه؛ قلم خوردگی ها در متن پیش نویس با خط میرزا نصرالله خان منشی الدوله، وزیر امور خارجه است.



وزیر امور خارجه
لندن
مظفرالدین شاه
در تأیید تلگراف
رمز که به وزیر مختار ایران در لندن
مخابره شد.

نداشت، ما نمی‌توانستیم این تکلیف را بپذیریم.»

وزیر مختار روس نیز رفتار علاءالدوله را تأیید کرد و گفت: «پیشنهاد انگلیسها که علاءالدوله باید برای استقبال فرمانفرما به کشتی برود، همچنان که امام مسقط به کشتی رفته است، درست نیست، زیرا مسقط زیر حمایت انگلیس است و ربطی به ایران ندارد.»^۱

مشیرالملک (حسن پیرنیا) وزیر مختار ایران در پترزبورگ، چند هفته بعد از نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف مقیم پترزبورگ دعوت کرد و دربارهٔ مسافرت لرد کرزن به بوشهر بر پایهٔ بخشنامه و نامه‌های مشیرالدوله، وزیر امور خارجهٔ ایران (پدر خود)، برای آنان توضیحات بایسته داد و گزارش این کار خود را به وزارت امور خارجه فرستاد.^۲

در روزهای پایانی دسامبر ۱۹۰۳ (روزهای آغازین شوال ۱۳۲۱ ق) در پارلمان انگلستان دولت دربارهٔ رویداد مسافرت لرد کرزن به بوشهر مورد سؤال قرار گرفت و وزیر مستملکان تأسف دولت انگلستان را از این پیشامد اظهار داشت.

درین میان علاءالسلطنه در پاسخ تلگراف رمز وزیر امور خارجه، ضمن یک تلگراف رمز دربارهٔ پاسخهای هاردینگ، وزیر مختار انگلستان، نسبت به برنامهٔ پذیرایی فرمانفرمای هندوستان در بوشهر توضیحاتی خواست تا بتواند ذهن وزیر امور خارجهٔ انگلستان را نسبت به آنچه پیش آمده بود بخوبی آگاه کند.

وزیر امور خارجه در تلگراف یکم شوال تمام گفتگوها و مکاتبات میان وزارت خارجه و سفارت انگلستان را از چهارم رجب تا دوازدهم رمضان برای اطلاع علاءالسلطنه بازگو کرد.

مسافرت لرد کرزن به بوشهر و پیاده نشدن او در روزنامه‌های انگلستان، هندوستان و اروپا، همچنان به عنوان توهین به دولت انگلیس با تفسیرهای

۱. گزارش مشیرالدوله پیوست پیش نویس نامهٔ دوم شوال شمارهٔ ۲۲۴۵.

۲. پیش نویس نامهٔ ۲۷۸۹ (۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۱ ق) وزارت امور خارجه.

گوناگون پیگیری می‌شد و روزنامه‌های لندن خبر برکناری علاءالدوله را می‌دادند. سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی بریده روزنامه‌ها و ترجمه مطالب مربوط به رویداد بوشهر را برای وزارت امور خارجه به تهران می‌فرستادند و خود نیز گاه در دیدار با دیپلماتهای اروپایی محل مأموریت خویش درباره این رویداد توضیحات بایسته می‌دادند. خودداری فرمانفرمای هندوستان از پیاده شدن در بوشهر، مظفرالدین شاه و وزیر اعظم و وزارت امور خارجه را از آن نگران کرده بود که این رویداد در رابطه سیاسی با انگلیس تأثیر نامطلوب بگذارد؛ از این رو وزارت امور خارجه که قبلاً به وسیله بخشنامه چگونگی رویداد بوشهر را به تمام سفارتخانه‌های ایران مقیم خارج اطلاع داده بود، برای پاسخگویی به روزنامه‌های اروپا و بخصوص انگلستان پیاپی خلاصه موضوع را بازگو می‌کرد و دستور می‌داد پاسخ مقتضی برای روزنامه‌ها بنویسند.^۱ باری، علاءالسلطنه در لندن با لرد لاتزداون، وزیر امور خارجه انگلستان، بار دیگر دیدار کرد و پس از طرح موضوع و ادای توضیح، وزیر امور خارجه انگلستان به او گفت: «اطلاعاتی که از کارگزاران ما رسیده است غیر از این می‌باشد که شما می‌گویید» و افزود که «پیش از رهسپاری فرمانفرمای هندوستان به بوشهر، وزیر مختار انگلیس در تهران برنامه‌ای به دولت ایران پیشنهاد کرده و دولت ایران آن را پذیرفته، ولی پس از رهسپاری فرمانفرمای هندوستان به بوشهر آن برنامه را تغییر داده است.»^۲

علاءالسلطنه پس از این دیدار، گفتگوی خود و سخنان لرد لاتزداون را به وسیله تلگراف رمز به وزیر امور خارجه اطلاع داد و او بار دیگر در چهاردهم شوال چگونگی برنامه پذیرایی فرمانفرمای هندوستان در بوشهر و دلایل پیاده نشدن او را با شرح تغییراتی که برای محل اقامت و تشریفات ورود داده شده بود، به علاءالسلطنه تلگراف کرد و پیگیری موضوع را برای اثبات اینکه از سوی دولت

۱. پیش‌نویس نامه ۱۲ شوال ۱۳۲۱ وزارت امور خارجه.

۲. پیش‌نویس نامه ۱۴ شوال ۱۳۲۱ وزارت امور خارجه.

ایران در این باره هیچ کوتاهی و قصوری نشده است، خواستار شد.

وزیر مختار ایران در لندن روز ۱۸ شوال ۱۳۲۱ ق (۸ ژانویه ۱۹۰۴) بار دیگر با وزیر خارجه انگلیس دیدار کرد و رونوشت تمام نوشته ها و تلگرافهای مربوط به مسافرت لرد کرزن به بوشهر را ارائه داد و توضیحات دیگر بر توضیحات پیشین خود افزود و مصرّاً خواستار پاسخ شد.

وزیر امور خارجه انگلیس گفت: «بزودی به شما پاسخ می‌دهم و میل دارم این گفتگو قطع بشود.»^۱

روز دیگر وزیر مختار ایران نامه‌ای به معاون وزارت امور خارجه انگلیس نوشت و خواهش کرد هر توضیحی درباره مسافرت لرد کرزن به بوشهر بایسته باشد از او سؤال کنند تا جزئی‌ترین اطلاعات را نیز در اختیارشان بگذارد؛ معاون وزارت امور خارجه انگلیس در پاسخ به او نوشت:

«گزارشهای بسیار از فرمانفرمای هندوستان و وزیر مختار انگلیس در تهران در دست داریم که باید با دقت رسیدگی کنیم و آرزوی ما این است که هرچه زودتر این گفتگوهای ناخوشایند را پایان دهیم.»^۲

وزیر مختار ایران بر پایه تأکیدهای پیاپی که از سوی وزارت امور خارجه ایران می‌شد، برای گرفتن پاسخ کتبی که رافع سوء تفاهم باشد و دولت ایران را در رویداد بوشهر بی‌تقصیر بشناسد، هرچند روز به وزارت امور خارجه انگلستان در لندن مراجعه می‌کرد. روز هشتم ذی‌قعدة بار دیگر به این منظور نزد لرد لانزداون، وزیر امور خارجه، رفت و مصرّاً از او پاسخ خواست و روز دیگر (۲۸ ژانویه ۱۹۰۴) نامه‌ای به این لرد لانزداون دریافت داشت:

«در پاسخ اظهارات شما درباره مسافرت فرمانفرمای هندوستان به بوشهر و احترامات ورود او در مراسم پذیرایی، خواهشمند است اظهارات وزیر مختار

۱. تلگراف رمز ۱۸ شوال ۱۳۲۱ ق علاء السلطنه.

۲. تلگراف رمز ۲۰ شوال ۱۳۲۱ ق علاء السلطنه.

انگلیس در ایران را که در هفتم و سیام دسامبر در مورد مسافرت فرمانفرمای هندوستان به وزارت خارجه ایران اطلاع داده با دقت ملاحظه نماید.

درباره آنچه که باعث شد که فرمانفرمای هندوستان از پذیرفتن پیشنهادهای اخیر ایران برای پذیرایی در بوشهر و تغییر برنامه خودداری کند، از خود فرمانفرما هم گزارشی رسیده است، رونوشت مکاتباتی را هم که پیش از تصمیم فرمانفرما مبادله شده است، دیده‌ام.

به نظر دولت اعلی حضرت پادشاهی گفتگوی تفصیل این رویداد نتیجه‌ای نخواهد داشت، تمایل پادشاه ایران به اینکه از فرمانفرما (که در مهمترین نقطه ممالک انگلیس نماینده شخص پادشاه انگلستان است) پذیرایی شایسته مقام او انجام شود، موجب کمال قدردانی است ولی دولت انگلستان تأسف دارد از اینکه اشکالات محلی به مقاصد شاه ایران غالب شد.

پس از بررسی به تمام مکاتبات آنچه برای ما معلوم شد این است که مطابق گزارش سفارت انگلیس در تهران پروگرام اولی مورد قبول ایران واقع شده ولی پس از آن دولت ایران آن برنامه را تغییر داد، شاه ایران پذیرفتند که فرمانفرمای فارس از فرمانفرمای هندوستان در منزلی که برای ایشان تعیین شده بود دیدن نمایند ولی این منزل شش مایل از بندرگاه دور بود، پیشنهاد شد فرمانفرمای هندوستان در قسمتی از عمارتی که محل اقامت خود فرمانفرمای فارس می باشد وارد شود [عمارت چهاربرج] و این چنان می نمود که فرمانفرمای هندوستان به دیدن فرمانفرمای فارس رفته باشد، پس از آنکه معایب این پیشنهاد معلوم گردید، اظهار شد خانه‌ای که منزل یکی از صاحب منصبان کوچک ایران است^۱ و صورت ظاهر آن نامناسب و وسایل استراحت و پذیرایی آن کمتر از سرکنسولگری است موقتاً تخلیه شود و برای ورود فرمانفرمای هندوستان اختصاص یابد. هنگامی که فرمانفرمای

۱. عمارت امیریه متعلق به احمدخان دریابیگی.

هندوستان پیشنهاد دولت ایران را پذیرفتند و قرار بود منزل رسمی مناسبی برای ایشان آماده شود، این ترتیبات ناسنجیده را تصور نمی‌کردند.

دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان نمی‌خواهد بیش از این، این رویداد را مورد بحث و گفتگو قرار دهد، این دولت منتظر بود مسافرت فرمانفرمای هند در بنادر ایران اثرات نیک ببخشد و روابط دوستانهٔ دو دولت را گواه تازه باشد و فرمانفرما شایق بود این احساسات را به عرصهٔ شهود درآورد و از این رو و برای موافقت با برنامهٔ مناسبی که مطابق آن بایستی رفتار می‌شد، دو شبانه روز در خارج بندرگاه در حالی که دریا متلاطم بود با کمال ناراحتی منتظر شدند، به عقیدهٔ ما عمدهٔ مسئولیت در این رویداد متوجه کارگزاران دولت ایران است.

ضمناً خاطر اولیای دولت ایران را به گزارش آدمیرال ویلز، فرمانده کل نیروی دریایی انگلیس در هندوستان، جلب می‌نمایم که به دیدن فرمانفرمای فارس رفت ولی فرمانفرمای فارس از او بازدید نکرد.^۱

در این نامه وزارت امور خارجهٔ انگلیس، دولت ایران را به مناسبت تغییرات نامتناسبی که برای اقامتگاه لرد کرزن در بوشهر داده شد مقصر شناخت و در همین حال اظهار داشت که مایل است به گفتگوی دربارهٔ این رویداد ناخوشایند پایان دهد.

۱. تلگراف رمز علاء السلطنه (۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۱ ق)؛ آدمیرال ویلز به وزارت دریاداری انگلستان نوشته بود: «بعد از ورود به بوشهر با ناوهای جنگی که تحت فرمان من است همراه جناب فرمانفرمای هندوستان که در کشتی هاردینگ بودند، در سوم دسامبر مطابق برنامهٔ رسمی به دیدن فرمانفرمای فارس رفتم، او از من خواهش کرد قبول کنم که در سرکنسولگری از من بازدید نماید، من گفتم که در سرکنسولگری دارای مقامی نمی‌باشم و منزل من در کشتی است، فرمانفرمای فارس گفت که فردای آن روز به بازدید من در کشتی خواهد آمد، روز بعد هوا خوب و دریا هم آرام شده بود و کشتی ایرانی پرس‌پلیس هم آماده بود، ولی فرمانفرمای فارس به دیدن من نیامد و دلیل نیامدن را هم اطلاع نداد، روز بعد ساعت ۹ من در کشتی به سمت بمبئی حرکت کردم.» (گزارش یازدهم ذی‌قعدة علاء السلطنه)

علاء السلطنه متن نامه لرد لانتزداون، وزیر امور خارجه انگلستان، را به وسیله تلگراف رمز به وزارت امور خارجه ایران اطلاع داد. وزیر امور خارجه این پاسخ را به عرض مظفرالدین شاه رسانید، ولی شاه پاسخ و استدلالهای وزارت خارجه انگلستان را قانع کننده ندانست و به دستور او از سوی وزیر امور خارجه پاسخی برای علاء السلطنه تهیه شد و به نظر شاه رسیده؛ شاه آن را تأیید کرد و با تلگراف رمز به علاء السلطنه چنین جواب داده شد:

«از مفاد یادداشت وزیر امور خارجه به اولیای دولت علیه ایران هم بخوبی واضح شده است که مابین اطلاعاتی که از کارگزاران دولت انگلیس به جناب وزیر امور خارجه و اطلاعاتی که به سفارت ایران رسیده است اختلافات زیادی است، ولی در صورتی که اطلاعات سفارت ایران تماماً از روی مراسلات رسمی سفارت انگلیس است، وزیر مختار ایران نمی‌داند چگونه این اختلافات ممکن القبول است و خاطر جناب وزیر امور خارجه مسبوق است که از اول طرح این مسئله دولت علیه اظهارات خود را از روی مراسلات رسمی سفارت انگلیس پیشنهاد نموده و هرگز اقوال کارگزاران خود را مأخذ ادعا ننموده است و اگر هم به قول جناب وزیر امور خارجه اولیای دولت انگلیس رأی خود را بر اطلاعات از کارگزاران خود قرار می‌دهند، باید همین اهمیت را به مراسلات رسمی سفارت خود نیز بدهند و اطلاعاتی که به توسط کارگزاران انگلیس به جناب وزیر امور خارجه رسیده است که در واقع تکذیب مراسلات سفارت خودشان است، مطالب را بالکل به نحو دیگر می‌رساند، مثلاً در یادداشت وزیر امور خارجه اشعار شده است که قبل از عزیمت به بوشهر وزیر مختار انگلیس پروگرامی به دولت علیه تکلیف کرد و قبول شد و بعد از آنکه به طرف بوشهر عزیمت کرد دولت علیه ایران به صرافت تغییر آن افتاد، هرگز دولت ایران به صرافت تغییر نیفتاد و چنانکه مکرر توضیح کرده است و باطن جناب وزیر امور خارجه اعتراف خواهد نمود، این مسئله برخلاف حقیقت است، راست است که وزیر مختار انگلیس صورت تلگراف خود

را که به لرد کرزن کرده بود به دولت ایران فرستاد که اگر صحیح است تلگراف نماید و به عرض خاکپای همایون رسید و به وزیر مختار ابلاغ شد که چون لرد کرزن مهمان دولت ایران است نزاکت مقتضی است منزل رسمی ایشان را در بوشهر دولت ایران معین نماید و وزیر مختار انگلیس در جواب اظهار امتنان نمود، مفاد میل دولت ایران را به لرد کرزن تلگراف کرد و چون وقت نداشت عازم بوشهر شد، بعد از چند روز از سفارت انگلیس مراسله رسمی رسید که میل دولت علیه قبول شده است، در این صورت اولیای دولت ایران نمی‌دانند که چگونه وزیر مختار انگلیس اظهار می‌نماید که پروگرام اولی قبول شده است و اینکه جناب وزیر امور خارجه نخواسته‌اند که بعضی مذاکرات را که علاء الدوله با وزیر مختار انگلیس کرده است تصریح نمایند، وزیر مختار ایران نیز زائد می‌داند در این ضمن به مذاکراتی که جناب وزیر مختار انگلیس به علاء الدوله نموده‌اند اشعاری کرده باشد.»

مظفرالدین شاه در زیر پیش نویس با خط خودش نوشت: «وزیر، جواب را صحیح عرض کرده‌اید، سواد جواب را به وزیر اعظم نشان بدهید که مطلع بشود.»^۱

پیگیری این موضوع از سوی مظفرالدین شاه و وزارت امور خارجه ایران و اصرار بر قبولاندن اینکه در برنامه ورود و پذیرایی فرمانفرمای هندوستان در بوشهر از سوی مقامهای ایرانی کمترین قصوری نشده است، حکایت دارد که دولت ایران از این نگران بوده است که مبادا رویداد پیاده نشدن لرد کرزن در بوشهر برای دولت انگلستان نسبت به دولت ایران رنجش و کدورتی ایجاد کرده باشد. نمی‌دانیم وزیر مختار ایران در لندن در انجام این آخرین دستور تلگرافی وزیر امور خارجه باز هم با لرد لانزداون، وزیر امور خارجه انگلستان دیدار و گفتگو کرده است یا نه؟ چون

۱. پیش نویس تلگراف رمز وزیر امور خارجه به وزیر مختار ایران در لندن.

حرف بزبان ترجمه می شود و در فراموشی می رسد. اما طوطی بخت طلب دارد هر طوطی
 جواب را در فراموشی می رسد و در صلاح بعضی نیست و باین معنی برسد در فراموشی
 در فراموشی با وی در وقت در این هم بخند و هیچ نمی تواند که این طوطی در کار کردن است
 لکن بخت در فراموشی و اطلاع بخت مغرب است در این بخت شرافت زیدی که در فراموشی
 اطلاعات مغرب است این تمام از روی مرآت می مغرب لکن در فراموشی در این بخت می تواند
 در شرافت مغرب لکن و طوطی بخت در فراموشی می رسد که در اول طرح در این بخت
 می در این بخت خود را از روی مرآت می مغرب لکن در فراموشی در این بخت می تواند
 خود را از فراموشی می رسد و در بخت بخت در فراموشی می رسد که در اول طرح در این بخت
 در کار کردن خود قرار می رسد باین معنی است که در بخت می مغرب لکن در فراموشی
 کار کردن لکن بخت در فراموشی می رسد که در اول طرح در این بخت می تواند
 مطرب در لکن بخت می رسد که در اول طرح در این بخت می تواند
 خویش به فراموشی می رسد که در اول طرح در این بخت می تواند
 به فراموشی می رسد که در اول طرح در این بخت می تواند
 و باین معنی که در اول طرح در این بخت می تواند
 حقیقت است که در اول طرح در این بخت می تواند
 بدست در این بخت که در اول طرح در این بخت می تواند
 و باین معنی که در اول طرح در این بخت می تواند

در شهر حیات ایران بخت نماید و وزیر محترم لکس در جواب اظهار تمهید می فرماید که در این
 مورد که در آن طرف کرد و چون وقت نداشت عازم دوشنبه شد بعد از چند روز از آن طرف لکس
 مرگ می رسد که میر حیات عید قبول شد که در آن صورت لکس در آن نمی نماند
 که چنانچه وزیر محترم لکس اظهار می نماید که در کلام اولی قول شد که و بکنه جانب وزیر امور
 نوشته اند بعضی تذکرات در صدر آمده با وزیر محترم لکس کرده که تصریح نماید وزیر محترم
 ایران نیز راندند که در این ضمن تذکراتی در جانب وزیر محترم لکس صادر می شود که
 بهادر کرده شد

در صورتی که
 در صورتی که
 در صورتی که
 در صورتی که

گزارشی در این باره دیده نشد، ولی با توجه به اینکه این آخرین تلگراف تکرار مطالب همان تلگرافهای پیشین است و با توجه به اینکه لرد لانزداون هم پاسخ قطعی خود را در ۲۸ ژانویه ۱۹۰۴ به وزیر مختار ایران در لندن اعلام داشته بود، تصور نمی‌رود تلگراف اخیر وزیر امور خارجه ایران منشأ اثر و اقدامی واقع شده باشد.

سیر آرتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس، پس از مسافرت بوشهر و خوزستان و عراق از راه کرمانشاه و همدان و قزوین روز هشتم ذی‌قعدة به تهران بازگشت و روز دهم ذی‌قعدة ضمن یک یادداشت دوستانه ورود خود را به مشیرالدوله اطلاع داد و چنین نوشت:

«دوستانه — فدایت شوم، مراسله محترمه مورخه بیست و دوم شوال ۱۳۲۱ جناب مستطاب اجل عالی در جواب مراسله ششم دسامبر دوستدار راجع به پیاده نشدن جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان به بندر بوشهر^۱ شرف وصول بخشید. توضیحاتی را که در باب نکات این اتفاق خواسته بودید حال که دوستدار مراجعت نموده بهتر این است در موقعی که به شرف ملاقات جناب مستطاب عالی نایل می‌شود شفاهاً بیان نماید. زیاده تصدیع نمی‌افزاید، فی دهم ذی‌قعدة ۱۳۲۱».^۲

مشیرالدوله در ۲۲ شوال به نامه اعتراض آمیز ۱۶ رمضان (۶ دسامبر ۱۹۰۳) هاردینگ که از بوشهر فرستاده بود، پاسخی دوستانه و مفصل نوشت و گفتگوها و مکاتبه‌های پیشین مربوط به رویداد بوشهر را بار دیگر یادآور شده و درباره برخی از نکات نامه ششم دسامبر هاردینگ توضیح خواسته بود، اینک که هاردینگ از مسافرت بازگشته بود می‌خواست توضیحات بایسته را برای وزیر امور خارجه ایران بیان کند. چند روز پیش از بازگشت هاردینگ نیز سفارت انگلیس ضمن نامه‌ای

۱. «بندر بوشهر» را «بندرابوشهر» نیز می‌گفتند و ظاهراً این تصرفی بود که عربهای خلیج فارس در نام بوشهر کرده بودند.

۲. یادداشت دهم ذی‌قعدة ۱۳۲۱ سیر آرتور هاردینگ.

به وزارت امور خارجه ایران نوشت:

«معاون وزارت امور خارجه انگلیس در پارلمان آن کشور درباره رویداد بوشهر گفته است: دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان در تأسف از این رویداد با دولت ایران شریک است و در این صورت خوب است یادآور شوم که این رویداد در روابط دو دولت خللی وارد نخواهد ساخت و روابط کامل دوستانه را که مطابق مصالح طرفین است ادامه می دهیم.»^۱

این نامه سفارت و سخنان معاون وزارت امور خارجه انگلیس در پارلمان آن کشور، نگرانی مظفرالدین شاه و دولت ایران را از احتمال رنجش انگلستان و تیرگی روابط دو کشور کاهش داد. دو روز پس از دریافت یادداشت دوستانه هاردینگ، وزیر امور خارجه از او دیدن کرد. سندی که حاکی از گفتگوی آن دو درباره رویداد بوشهر باشد، دیده نشد و شاید هم با سخنان معاون وزارت امور خارجه انگلستان در پارلمان آن کشور دیگر نیازی به پیگیری جدی نبوده است.

هاردینگ روز ۱۵ ذی قعدة همراه عباسقلی خان دبیر شرقی سفارت به دیدار عین الدوله، وزیر اعظم، رفت. ممتازالدوله، منشی و مشاور عین الدوله، نیز حضور داشت. باز هم از رویداد بوشهر سخن به میان آمد. عین الدوله رفتار لرد کرزن را بی احترامی به دولت ایران می دانست، درحالی که هاردینگ تغییر برنامه ورود لرد کرزن را در بوشهر توهین نسبت به دولت انگلستان تلقی می کرد. گفتگوی عین الدوله بر پایه گزارشهای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، بود ولی هاردینگ گفت: «چگونگی رویداد را خلاف واقع به اطلاع وزیر اعظم رسانده اند». در روز دیگر با ارسال رونوشت نخستین نامه سفارت که مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به وزارت امور خارجه ایران اطلاع داده بود و رونوشت تلگرافی که در این باره به فرمانفرمای هندوستان مخابره کرده بود و رونوشت چند تلگراف دیگر،

۱. نامه بی تاریخ سفارت انگلیس.

در یک نامهٔ دوستانه به عین الدوله چنین نوشت:

«فدایت شوم، نظر به مذاکرات دیروز، دوستدار شرف دارد که محض مراجعه سوادى از مراسلهٔ رسمى که به وسیلهٔ آن از مأموریت جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس به دولت ایران اطلاع داده شده است لفاً ارسال دارد.

نواب مستطاب اشرف والا از این مکاتبهٔ رسمى ملاحظه خواهند فرمود، اظهار شده است که مسافرت جناب معظم له رسمى است، دوستدار نیز شرف دارد که سوادى از تلگرافى که در بیست و دوم اکتبر به فرمانفرما نموده و ترجمه از پروگرام اولی که به دولت علیه ایران محض تصدیق تقدیم و به جناب فرمانفرما مخابره نموده بودم، لفاً ارسال دارم، این پروگرام بدو با جناب مستطاب اجل مشیرالدوله شفاهاً مذاکره شد و چنانچه به نواب مستطاب اشرف والا مذاکره داشتم تا اندازه‌ای که به خاطر دارم فخامت همراه عباسقلی خان در بیست و پنجم اکتبر که دوروز قبل از حرکت دوستدار باشد، آن پروگرام را نزد جناب اجل مشیرالدوله برده، به دوستدار اطلاع داد که جناب معظم له آن را قبول فرموده‌اند. پس از حرکت از تهران، چنانچه از ترجمهٔ دو تلگراف دیگر که لفاً ارسال می‌شود ملاحظه خواهند فرمود، به جناب اجل فرمانفرمای هندوستان تصویب نمودم که خوب است تغییراتی که در پروگرام اول داده شده است قبول فرمایند و چنانچه نواب مستطاب اشرف والا مستحضرند، جناب فرمانفرما آن را قبول فرمودند ولی اگر در پروگرام اولی تغییر داده شده جهتى مشاهده نمی‌شود که در صورتی که راحت در این می‌بود که باز هم تغییری داده شود، به موافقت طرفین آن تغییر مجرى نگردد، یعنی در آن وقت که تعیین منزل اشکال پیدا کرده و جناب فرمانفرما خواهش نمودند به ترتیبات اولیه مراجعه شود.

دوستدار نمی‌خواهد که مذاکرات این واقعهٔ نامسعود را باز تجدید نماید ولی فقط محض این است که مسئله را که دیروز از مذاکرات معلوم می‌شد که برخلاف

واقع به اطلاع نواب مستطاب اشرف والا رسیده است توضیح نماید. زیاده تصدیع نمی افزاید ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۱.»^۱

عین الدوله این نامه وزیر مختار انگلیس و رنوشتهای پیوست آن را به وسیله ممتازالدوله برای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، فرستاد و به او نوشت: «باید زود جوابی به این نامه سفارت انگلیس داده شود ولی از روی دلیل و برهان باشد تا به اقدام ناگواری که کردند ملتفت شوند.»^۲

پیش نویس پاسخ نامه وزیر مختار به وسیله مشیرالدوله با مشورت ممتازالدوله به صورت نامه دوستانه تهیه گردید و ممتازالدوله آن را نزد عین الدوله برد و پس از مطالعه و مشاوره و حک و اصلاح برخی از بخشها و واژه ها، پیش نویس به وسیله ممتازالدوله دوباره نویسی و پاکنویس گردید و در هجدهم ذی قعدة به امضای عین الدوله رسید و به سفارت انگلیس فرستاده شد. متن نامه دوستانه عین الدوله به هاردینگ، وزیر مختار انگلیس:

«فدایت شوم، در جواب رسیده شریفه دوستانه آن جناب جلالت مآب برای رفع اشتباه از جناب عالی زحمت می دهم که اگر در ضمن مذاکرات پریروزی در باب رسمی بودن یا نبودن مسافرت جناب مستطاب اجل فرمانفرمای هندوستان ذکر کرده است نظر به عدم مأموریت ایشان به بنادر ایران بوده، نه اینکه این مسافرتشان به خلیج فارس رسمی نبوده باشد، چرا که از تمام مکاتبات و مذاکرات راجعه به این مسئله مسبوق بودم و این شبهه برای دوستدار حاصل نمی شد و هم چنین خاطر شریف آن جناب جلالت مآب را متذکر می شوم، بعد از اینکه پروگرام را فخامت همراه عباسقلی خان به اطلاع جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله وزیر امور خارجه رسانیدند، ایشان همین قدر جواب دادند که جناب مستطاب فرمانفرما باید در بنادر ایرانی مهمان دولت علیه باشند و منزل را دولت معین می نماید.

۱. رنوشته نامه هاردینگ به عین الدوله.

۲. یادداشت ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۱ عین الدوله.

خود

۱۳۲۱
شعب

دست دوم
در هندوستان در هندوستان

جانب لغت عربی در جواب
در هندوستان

در هندوستان
در هندوستان

در هندوستان
در هندوستان

در هندوستان
در هندوستان

در هندوستان
در هندوستان

در هندوستان

چنانکه تلگراف ۲۷ اکتبر آن جناب جلالت‌مآب رسانیده بودند و اظهار امتنان فرموده بودند، بعد از آن با مذاکرات با سفارت آن دولت فخمه آن پروگرام رسمی مرتب شد و جناب مستطاب اجل فرمانفرما قبول فرمودند در منزلی که دولت ایران در بوشهر معین نموده در آنجا اقامت نمایند. درثانی، اگر تغییری در پروگرام می‌بایستی داده شود بایستی آن تغییر به امضا و قبول طرفین بوده باشد که اسباب وقایع غیرمنظره نباشد، نه به مجرد اینکه تصوّر کرده باشند راحت در تغییر است بدون سابقه امضا و رضایت این طرف پروگرام رسمی را بخواهند تغییر بدهند که باعث واقعه اسف‌انگیزی برای اولیای هر دو دولت بشود و چون با وجود مذاکرات شفاهی آن جناب جلالت‌مآب با دوستدار و با جناب مستطاب معظم دیگر ازدیاد مزاحمت مقتضی نیست به همین قدر کفایت نموده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.»^۱

وزیر مختار انگلیس فردای آن روز در یادداشت کوتاه دوستانه به عین الدوله نوشت:

«با جمله آخری مراسله حضرت اشرف والا که اشعار فرموده بودند «مقتضی نیست که دیگر مذاکرات در باب اختلاف عقاید خودمان در این موضوع به عمل آید» هم عقیده می‌باشم.»^۲

عین الدوله به وزیر مختار انگلیس پاسخ داد: «این جمله از نامه مرا درباره پایان دادن به مذاکرات درست تعبیر نکرده‌اید.»

شب ۲۱ ذی‌قعدة عین‌الدوله برای بازدید وزیر مختار انگلیس به سفارت انگلیس رفت. پذیرایی باشکوهی برپا شد ولی از رویداد بوشهر در این ضیافت سخنی به میان نیامد.

پس از آن میان عین‌الدوله (وزیر اعظم) و هاردینگ (وزیر مختار انگلیس)

۱. پیش‌نویس نامه ۱۸ ذی‌قعدة عین‌الدوله.

۲. رونوشت نامه ۱۹ ذی‌قعدة وزیر مختار انگلیس.

مبادله یادداشت‌های غیررسمی چند بار تکرار شد و آخرین بار عباسقلی خان نواب، دبیر شرقی سفارت، پیغام شفاهی هاردینگ را به عین الدوله رسانید. عین الدوله از او خواست متن پیام وزیر مختار را روی کاغذ بنویسد و برای او بفرستد. عباسقلی خان با اجازه هاردینگ متن پیام را روی کاغذ آورد و روز ۲۸ ذی‌قعدة پیوست نامه خود برای عین الدوله فرستاد. هاردینگ در پیام خود مقامهای ایرانی و نیز مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، را در تغییر برنامه ورود فرمانفرمای هندوستان در بوشهر (که منجر به ترک بوشهر از سوی او گردید) مقصر شناخته و حتی در پایان پیام خود عین الدوله را نیز بی‌تقصیر ندانسته بود. اینک متن نامه عباسقلی خان، دبیر شرقی سفارت، و سپس متن پیام وزیر مختار به عین الدوله را که او روی کاغذ آورده است از نظر می‌گذرانیم.

نامه خصوصی عباسقلی خان به عین الدوله:

«تصدقت شوم، بعد از اجازه جناب اجل وزیر مختار، پیغام جناب معظم له را به طوری که حضرت مستطاب اشرف والا خواسته بودند لفاً ایفاد حضور مبارک داشت، زیاده جسارت نمی‌نماید. فی ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۱ - جان‌نثار عباسقلی.»

متن پیام هاردینگ، وزیر مختار انگلیس:

«مراسله وزیر اعظم که در آن اظهار شده است که من یک جمله از مراسله آخری ایشان را درست تعبیر نکرده و این‌طور فهمیده‌ام که نواب ایشان مایل اند که مسئله اتفاق بوشهر را متروک بدارند رسید.

اشکال عمده اختلاف در این مسئله اصلی است که آیا دولت ایران قبول کرده بودند که جناب علاءالدوله به کنسولگری بروند یا خیر [؟] ما قبول داریم که به رضایت طرفین این پروگرام تغییر یافت، آیا این فقره به طوری نبود که در صورتی که فرمانفرما از دولت ایران می‌خواستند، بشود به آن پروگرام رجوع کند [؟] و آیا درست توضیح شده بود که شأن دولت ایران قبول نخواهد کرد که نماینده اش

به بالیوزگری^۱ برود [؟]

مسلم است که جناب مشیرالدوله به عباسقلی خان فرموده بودند که پروگرام قبول شده است، شارژدافر^۲ هم همین قسم فهمیده بودند چرا که به کاشان به من تلگراف کردند که دولت ایران مایل اند تغییر پروگرام داده شود، از آن طرف جناب مشیرالدوله می‌فرمایند که پروگرام را قبول نفرموده‌اند و اگر هم قبول کرده‌اند این طور بوده است که باید مسئله ملاقات به نظر اعلیٰ حضرت همایونی برسد. ممکن نیست تصور کرد که عباسقلی خان قصدش این بوده است که عمداً مرا به غلط بیندازد یا اینکه جناب مشیرالدوله خواسته باشند وزیر اعظم^۳ را به غلط بیندازد.

توضیح این فقره این است که باید درست مقصود یکدیگر را ملتفت نشده باشند، بنابراین به نظر من شخصاً این طور می‌آید که مذاکره این کار بیش از این فایده ندارد، ولی حاضرم در صورتی که حضرت والا برای این مذاکره یا مذاکره دیگر حکم بفرمایند و بخواهند، مذاکرات به عمل آید.

علاوه بر این حضرت والا را متذکر می‌دارم از تلگرافی که به جناب علاءالدوله فرموده بودند، و مفادش این بود که اگر فرمانفرما میل دارند پیاده شوند و اگر هم میل ندارند پیاده نشوند.^۴

با این پیغام وزیر مختار گفتگوی دربارهٔ رویداد بوشهر میان سفارت انگلیس و وزارت خارجه و وزیر اعظم ایران پایان یافت، اما در همین روزها در بوشهر روزنامهٔ شرافت مظفری که در هندوستان بیش از ایران خواننده داشت، یادداشتی دربارهٔ رویداد بوشهر نوشته، از علاءالدوله به مناسبت خودداری از رفتن به کشتی

۱. بالیوز: نمایندهٔ مقیم (مقامی برتر از کنسول).

۲. شارژدافر: کاردار (گرائنداف)

۳. وزیر اعظم = عین الدوله

۴. اشاره به تلگراف ۱۳ رمضان عین الدوله به علاءالدوله.

نصف دوم بهار چنانچه خبر میرسد

بنامه جلاله در بهار که حضرت ابی طالب علیه السلام

خداوند بزرگوار و بزرگوار است

جارت نیل به ۲۸ شعبان ۱۲۲۱

فرمانفرمای هندوستان تجلیل کرده و این اقدام را به گونه‌ی یک ابراز شخصیت تلقی نموده و از لرد کرزن انتقاد کرده بود.

سالار معظم فرماندار کل بنادر و روزه‌نامه را توقیف کرد و مدیر آن را شلاق زد و موضوع را به تهران گزارش داد. مظفرالدین شاه کار او را ستود زیرا می‌پنداشت یادداشت روزه‌نامه شرافت مظفری باعث رنجش دولت انگلیس خواهد شد و در همان حال دستور داد از مدیر روزه‌نامه دلجویی و او را وادار کنند شرح رویداد بوشهر را چنانکه وزارت امور خارجه گزارش داده است در روزه‌نامه خود به چاپ برساند.^۱ روز ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۱ ق (۱۳ فوریه ۱۹۰۴) که پارلمان انگلیس پس از یک تعطیل آغاز به کار کرد، بار دیگر موضوع مسافرت لرد کرزن در بوشهر در پارلمان مطرح گردید. لرد کپسن بولز، نماینده پارلمان، آن رویداد را یک توهین برای امپراتوری انگلستان دانست و از وزارت امور خارجه در این باره توضیح خواست. وینز خواستار آن شد که وزارت امور خارجه اسناد و سوابق کتبی آن رویداد را در اختیار پارلمان بگذارد.

لرد پرسى، نماینده وزات امور خارجه، در پاسخ او گفت:

«در آغاز ترتیب تشریفات این مسافرت میان دولت ایران و وزیر مختار انگلیس در تهران داده شده بود ولی پیش از ورود فرمانفرما به بوشهر دولت ایران برخی نکات برنامه را تغییر داد و همین باعث انصراف فرمانفرمای هندوستان از پیاده شدن در بوشهر گردید، برنامه اصلی که وزیر مختار ما تکلیف نموده و وزیر امور خارجه ایران هم قبول کرد این بود که فرمانفرمای فارس در بندرگاه از فرمانفرمای هندوستان استقبال نموده و با ایشان به ساختمان سرکنسولگری انگلیس بروند و دیدار رسمی اول از ایشان در سرکنسولگری انجام پذیرد. پس از آن وزیر مختار ما را مطلع ساختند که شاه ایران برای بزرگداشت این مهمان

۱. تلگراف رمز ۱۸ ذی‌قعدة وزارت امور خارجه به سالار معظم (بعداً نظام السلطنة مافی).

عالی مقام مایل است عمارت مخصوص برای پذیرایی ایشان از سوی دولت ایران تعیین شود. گراننداف کاردار سفارت ما در تهران این پیشنهاد را به فرمانفرما تلگراف کرد، فرمانفرما پذیرفت بدون اینکه چگونگی اجرای آن را برای فرمانفرما معلوم کرده باشند، وزیر مختار ما که در این هنگام در کاشان بود به گراننداف تلگراف کرد که مشیرالدوله برنامه ورود فرمانفرما را قبول کرده نباید تغییر بدهند ولی برای رفع گفتگوراضی شد که فرمانفرما منزل رسمی را که برای ایشان تعیین شده بود، قبول کند و فرمانفرمای فارس در آنجا از ایشان دیدن نماید، پس از ورود فرمانفرما به آبهای بوشهر به ایشان تکلیف شد یا به خانه‌ای که پنج مایل راه است بروند (خانه مدحت الدوله) یا در خانه‌ای که علاءالدوله منزل دارد بروند و علاءالدوله در همانجا از ایشان دیدن کنند، بهترین ترتیب این بود که علاءالدوله در سرکنسولگری ما در بوشهر از فرمانفرما دیدن نماید، وزیر خارجه ایران پذیرفت ولی فرمانفرمای فارس گفت به موجب دستورهای که از تهران به او رسیده امکان ندارد در سرکنسولگری از فرمانفرما دیدن کند یا به کشتی بیاید. به این دلیل فرمانفرمای هندوستان از پیاده شدن در بوشهر خودداری کردند.»

سپس افزود: «دولت ایران از این موضوع و از این اشتباه ابراز تأسف نموده و دولت انگلستان هم در این تأسف شریک است و در هر حال چون این موضوع اینک پایان یافته تلقی می‌شود ادامه مکاتبات لزومی ندارد.»^۱

از این پس گفتگوی درباره رویداد بوشهر و پیاده نشدن فرمانفرمای هندوستان در آن بندر دیگر از سوی مقامهای رسمی انگلستان و ایران موقوف ماند، اما چند روزنامه لندن و هندوستان باز هم گاهی در این باره قلمفرسایی می‌کردند. روزنامه تایمز لندن و روزنامه مدرس هند نوشتند: چون علاءالدوله فرمانفرمای فارس نسبت به لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان در بوشهر بی‌احترامی کرد از کار برکنار

۱. گزارش سی‌ام ذی‌قعدة هشتم ذی‌حجه ۱۳۲۱ ق وزیر مختار ایران در لندن.

گرديد.^۱

سرانجام برای آنکه به این رویداد و تنش و رنجش سیاسی که از این رویداد برخاسته بود نقطه پایان گذارده شود، مظفرالدین شاه به علاء السلطنه، وزیر مختار ایران، مأموریت داد به دیدار ادوارد هفتم، پادشاه انگلستان، برود و تأسف شاه ایران را از رویداد بوشهر به عرض پادشاه انگلستان برساند.

علاء السلطنه وقت دیدار خواست و روز دوم محرم ۱۳۲۲ ق (۱۸ مارس ۱۹۰۴) به حضور پادشاه انگلستان بار یافت و پیغام دوستی و تأسف مظفرالدین شاه را به عرض رسانید، و چون در آن روزها عموی ملکه پیشین انگلستان درگذشته بود، از سوی شاه ایران این مصیبت را به دودمان پادشاهی انگلستان نیز تسلیت گفت.^۲

پادشاه انگلستان در پاسخ وزیر مختار ایران درباره رویداد بوشهر گفت:
«از حادثه بوشهر متأسفم و از محبت‌های شاه ایران برای پذیرایی فرمانفرمای هندوستان متشکرم، اشتباهی پیش آمده است، باید فراموش کرد.»^۳
به دنبال این دیدار دو هفته دیگر هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در تهران^۴،

۱. نامه شماره ۱۰۰ هجدهم ذی‌حجه ۱۳۲۱ سرکنسولگری ایران در هندوستان. علاء الدوله در ماه صفر ۱۳۲۲ ق به مقتضیات سیاسی ناچار از استناداری فارس استعفا داد. علاء الدوله در ۱۳۲۳ ق حکمران تهران بود. تنبیه چند بازرگان محکوم‌شده و شکر از سوی او، مهاجرت جمعی از روحانیان و بازاریان به شهر ری را در پی داشت که خواستار برقراری عدالتخانه شدند. او در روزهای پایانی ذی‌حجه از کار برکنار شد. در ۱۳۲۷ سفری به روسیه رفت و سرانجام در آغاز سال ۱۳۲۹ ق (هشتم دی ماه ۱۲۹۰ خورشیدی) در نزدیکی خانه خود در خیابان علاء الدوله (فردوسی پایین) از سوی سه فرد ناشناس ترور شد.

۲. تلگراف رمز هفتم محرم ۱۳۲۲ ق وزیر مختار ایران در لندن.

۳. تلگراف رمز هفتم محرم ۱۳۲۲ ق وزیر مختار ایران در لندن.

۴. سیر آرتور هاردینگ در ۱۹۱۹ که لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلستان بود به پیشنهاد او از سوی پادشاه انگلستان (ژرژ پنجم) لقب «لرد» گرفت و به معاونت وزارت امور خارجه برگزیده شد.

به دستور وزارت امور خارجه آن کشور، با در دست داشتن نامه وزارت امور خارجه انگلیس مبنی بر اظهار تأسف از رویداد بوشهر، نزد مظفرالدین شاه رفت و اظهار تأسف پادشاه انگلستان را نیز به اطلاع مظفرالدین شاه رسانید و گفت: «دولت انگلستان این رویداد را پایان یافته می‌داند و تأثیری بر حسن روابط دوستانه دو کشور برجای نخواهد گذاشت»^۱ و به این گونه نگرانی‌های ایران و گله‌ها و گفتگوهای چند ماهه میان ایران و انگلستان درباره رویداد بوشهر و مسافرت لرد کرزن پایان یافت.

۱. تلگراف رمز ۱۸ محرم ۱۳۲۲ ق وزیر مختار ایران در لندن.

